

تورات

درس
یازده

بررسی اجمالی کتاب خروج



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2021 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تورات (درس شماره ۱۱: بررسی اجمالی کتاب خروج)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) ملاحظات اولیه

نگارش

موقعیت

معنای اصلی

پسزمینه‌ها

نمونه‌ها

پیش‌سایه‌ها

کاربرد امروزی

(۳) ساختار و محتوا

رهایی از مصر

پیش از رهایی

در حین رهایی

آمادگی برای کنعان

عهد اسرئیل

خیمهٔ اسرئیل

(۴) مضامین اصلی

حافظ عهد

جنگاور پیروزمند

در مصر

در مسیر راهپیمایی

شریعت‌بخش عهد

جنگاور حاضر

(۵) نتیجه‌گیری

بررسی اجمالی کتاب خروج

مقدمه

هر سازمانی دچار تغییراتی می‌شود، اما وقتی راهبری از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود، این تغییرات می‌توانند مخرب باشند. هنگامی که آخرین عضو بنیانگذار یک کلیسا فوت می‌کند، یا موسس یک شرکت بازنشسته می‌شود، آنانی که در مسئولیت باقی می‌مانند با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. بنابراین، سوالی که تقریباً همیشه پیش می‌آید این است که: نسل جدید باید تا چه اندازه پیرو اولویت‌ها و عادات نسل پیشین باشد؟

از بسیاری جهات، قوم اسرائیل نیز زمانی که در مرز سرزمین وعده اردو زده بودند، با این پرسش روبرو شدند. موسی با سرعت به پایان زندگی خود نزدیک می‌شد، و اسرائیلیان با چالش‌های جدید بسیاری روبرو می‌شدند. بنابراین لازم بود بدانند که چقدر باید به پیروی از اولویت‌ها و عاداتی ادامه دهند که موسی برای‌شان برقرار کرده بود. آیا باید مسیر دیگری را دنبال می‌کردند؟ یا باید مسیر موسی را ادامه می‌دادند؟ دومین کتاب در کتاب مقدس، کتابی که اکنون آن را خروج می‌نامیم، برای پاسخ به اینها و پرسش‌های مشابه طراحی شده بود.

این درس به بخشی از «تورات» نگاه می‌کند که شامل دومین کتاب در کتاب مقدس است و آن را «بررسی اجمالی کتاب خروج» نامیده‌ایم. در این درس به کنکاش در تعدادی از مسائل اساسی می‌پردازیم که ما را برای نگاهی عمیق‌تر به معنای کتاب خروج در زمان نگارش آن و همچنین روش اعمال آن در حیات امروزی‌مان آماده می‌کند.

درس ما به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، به بعضی از ملاحظات اولیه نگاه می‌کنیم که باید در مطالعه خروج در نظر داشته باشیم. دوم، به بررسی ساختار و محتوای کتاب خواهیم پرداخت. و سوم، به برخی از مضامین اصلی خروج نگاه خواهیم کرد. بیایید ابتدا به تعدادی از ملاحظات اولیه نگاه کنیم.

ملاحظات اولیه

ما به عنوان پیروان مسیح، به درستی معتقدیم که کتاب خروج تحت الهام روح القدس نوشته شد و کلام خداست. این باور به ما یادآوری می‌کند که با کتابی معمولی روبرو نیستیم. خروج متنی مقدس است که خدا به قوم خویش بخشید. بنابراین، به عنوان پیروان مسیح، این کتاب به نوعی امروزه بر ما و شما اقتدار دارد. اما در عین حال، نباید فراموش کنیم که خدا این کتاب را نخست به افرادی داد که هزاران سال پیش زندگی می‌کردند. از این رو، مهم است تا اطمینان حاصل کنیم که کاربردهای امروزی ما در راستای هدف کتاب در زمان نگارش آن هستند.

در آغاز نگاه‌مان به کتاب خروج، چهار ملاحظهٔ اولیهٔ مختلف را معرفی می‌کنیم. نخست به نویسندگی آن می‌پردازیم؛ چه کسی این کتاب را نوشت؟ دوم، به بررسی موقعیت آن خواهیم پرداخت؛ کتاب چه زمان و کجا نوشته شد؟ سوم، معنای اصلی کتاب خروج را خلاصه خواهیم کرد. و چهارم، به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه این مسائل باید هادی کاربرد امروزی ما از این کتاب باشند. بیا بیا ابتدا به نگارش خروج نگاه کنیم.

نگارش

پرسش دربارهٔ نگارش خروج، بخشی از یک مباحثهٔ طولانی و پیچیده دربارهٔ نگارش تورات به طور کلی است. اما در این درس، تنها به چند روش کاربرد این مباحثه در مورد خروج اشاره خواهیم کرد. یک مطالعهٔ گذرا از خروج به ما می‌گوید که دست‌کم، موسی ارتباط زیادی با محتوای این کتاب داشت. خروج بارها ادعا می‌کند که خدا بسیاری از آن را مستقیماً به موسی در کوه سینا آشکار کرد که این شامل ده فرمان، کتاب عهد، و دستورالعمل‌های مربوط به خیمه برای اسرائیل بود. اما همانطور که در درس‌های دیگر دربارهٔ تورات دیدیم، اکثر محققین منتقد، نویسندگی موسی را رد کرده‌اند. آنها چنین استدلال می‌کنند که الاهیات تورات، از جمله خروج، بسیار پیشرفته‌تر از آن است که از روزگار موسی آمده باشد. و در عوض معتقدند که نمی‌تواند پیش از پایان اسارت بابل در قرن ششم قبل از میلاد نوشته شده باشد.

اگرچه این دیدگاه‌های انتقادی گسترده هستند، اما پیش‌فرض‌های تاریخی و الاهیاتی پشت آنها بسیار نظری و نامعتبر هستند. همچنین، از یک چشم‌انداز اوانجلیکال، بسیار مهم است که ما از شهادت معتبر موجود در کتاب مقدس پیروی کنیم. نویسندگان عهد عتیق، و مسیح و رسولان و انبیای او، همگی به طور متفق این دیدگاه را تایید کردند که موسی، عهده‌دار تمام تورات و از جمله کتاب خروج بود.

حال، انجیلی‌ها به درستی این اعتقاد راجع به نگارش موسایی را با انتصاب القاب نویسندهٔ «بنیادین»، «حقیقی»، یا «اصلی» کتاب به موسی، تایید کرده‌اند. این یعنی بسیار بعید است که موسی نشسته و تمام کتاب خروج را با دست خود نوشته باشد. اما موسی شاهی معتبر برای هر رخدادی به غیر از آنها که مربوط به تولد و سال‌های اولیهٔ کودکی‌اش هستند بود که در کتاب گزارش شده‌اند. به احتمال زیاد، او از عادت راهبران ملی در زمان خود پیروی کرد و برای نگارش، کاتبان و منشیانی را تحت نظارت خویش به کار گرفت. با این وجود، هر آنچه که بوده، می‌توانیم مطمئن باشیم که خروج، تحت الهام روح‌القدس و طی سالیان آخر زندگی موسی نوشته شده است.

این پرسش که چه کسی کتاب خروج را نوشت، سوال مهمی است، و وقتی که متن خود کتاب را می‌خوانیم، و تاریخ وقایعی که گزارش می‌دهد را جدی می‌گیریم، هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم موسی قسمت عمدهٔ کتاب خروج

را به شکلی که اکنون در دست داریم، نوشته باشد. موسی به عنوان سخنگوی خدا در این کتاب به تصویر کشیده شده است. در سرتاسر تورات، او به عنوان یک سخنگوی بی‌نظیر به تصویر کشیده شده، در سراسر تاریخ قوم خدا، کسی که خدا را بهتر از هر نبی دیگری بعد از خودش تا زمان خودِ عیسی می‌شناخت. و چون خدا را خیلی از نزدیک می‌شناخت، با او رو در رو مثل کسی که با دوستش صحبت می‌کند سخن گفت، و آن نقش مهم به عنوان سخنگوی خدا برای مردم را داشت. و چون عهد عتیق در ادامه خود بعد از تورات، به این کتاب از تورات موسی ارجاع می‌دهد و مردم را تشویق می‌کند که روز و شب در آن تفکر کنند، منطقی است که فکر کنیم موسی نویسنده کتاب است. حالا شاید بعضی از به‌روزرسانی‌ها اتفاق افتاده باشد، مانند اسامی اماکن یا حتی بعضی قالب‌های دستور زبانی و چیزهایی مانند آن با گذشت زمان اتفاق افتاده باشد، که توسط یک دست الهام گرفته، دست یک نبی در اسرائیل انجام شده است. اما بله، من فکر می‌کنم کتاب خروج از قلم موسی آمده، از دست او... و بنابراین، موسی نه تنها به عنوان سخنگوی ارشد خدا در اسرائیل، بلکه به عنوان نویسنده کتاب هم به تصویر کشیده شده است.

- پروفیسور توماس اِگر

با در نظر داشتن این تفکرات درباره نگارش موسایی، باید به سراغ دومین مجموعه از ملاحظات اولیه برویم؛ یعنی موقعیت یا شرایطی که خروج در آن نوشته شد.

موقعیت

به طور کلی، موسی خروج را در فاصله‌ای بین خواندگی خود در بوتۀ مشتعّل در خروج ۳: ۱-۴: ۳۱ و مرگش در دشت موآب در تثیبه ۳۴: ۱-۱۲ نوشت. اما شواهد به ما کمک می‌کنند تا دقیق‌تر از این باشیم. دست‌کم دو منبع در کتاب خروج آشکار می‌کنند که کتاب در حقیقت وقتی که اسرائیل در مرز سرزمین وعده اردو زده بودند، کامل شده بود. به خروج ۱۶: ۳۵ گوش کنید که این کلمات را می‌شنویم:

بنی‌اسرائیل مدت چهل سال منّ را می‌خوردند، تا به زمین آباد رسیدند، یعنی تا به سرحد زمین کنعان داخل شدند، خوراک ایشان منّ بود (خروج ۱۶: ۳۵).

بدیهی است که این وقایع می‌باید پیش از تکمیل کتاب خروج رخ داده باشند. بنابراین، ما می‌دانیم که اسرائیل چهل سال «سرگردان» بودند، و به «زمین آباد» یا «مرز کنعان» رسیده بودند. نگاه اجمالی مشابهی به زمان تکمیل نهایی، در خروج ۴۰: ۳۸ پدیدار می‌شود؛ در آخرین آیه کتاب:

بدین‌سان، در همه سفرهای خاندان اسرائیل، در برابر دیدگان همه آنان، هنگام روز ابر خداوند بر روی مسکن بود و هنگام شب، آتش در ابر (خروج ۴۰: ۳۸، ترجمه هزاره نو).

دقت کنید که این متن به حضور پر جلال خدا بر خیمه در طی «همه سفرهای» ایشان اشاره می‌کند. این یادداشت تاریخی ثابت می‌کند که موسی کتاب خروج را در اواخر عمر خود به پایان رساند. او «پس» از آن نوشت که چهل سال سرگردانی اسرائیل تمام شده بود و آنها به دشت‌های موآب رسیده بودند. تا به اینجا به چند ملاحظه اولیه درباره نگارش و موقعیت کتاب خروج نگاه کردیم. حال در موقعیتی هستیم که معنای اصلی آن را خلاصه کنیم. چرا خدا موسی را بر آن داشت تا کتاب خروج را به نگارش درآورد؟ و موسی امیدوار بود که چگونه بر مخاطبین اولیه اسرائیلی خود در دشت‌های موآب تاثیر بگذارد؟

معنای اصلی

از ابتدا باید توجه کنیم که موسی چند هدف کلی داشت که بارها در عهد عتیق پدیدار می‌شوند. برای نمونه، خروج مضمونی «ستایشی» دارد چون همواره اسرائیل را به ستایش و پرستش خدا سوق می‌داد. اما الاهیاتی هم هست، زیرا مکرراً حقایق درباره خدا را توضیح می‌دهد. و کل کتاب، سیاسی هم هست، از این نظر که برای شکل‌بخشی به حیات ملی اسرائیل طراحی شده بود. همچنین جدلی هم بود، چون با دیدگاه‌های نادرست مخالفت می‌کرد. اخلاقی است چون آشکار می‌کرد که چطور اسرائیل باید از خدا اطاعت می‌کردند. و انگیزه‌بخش است چون وفاداری به خدا را تشویق می‌کند و علیه بی‌وفایی هشدار می‌دهد. اینها و بسیاری اهداف مشابه دیگر، عموماً مشخصه کلیت کتاب خروج هستند.

در حالی که خروج در اینها و ویژگی‌های دیگر با تعدادی از کتاب‌های کتاب‌مقدس مشترک است، اما موسی هدفی منحصر به فرد و برجسته نیز برای نگارش خروج داشت. خلاصه کردن این هدف به شکل ذیل، مفید است:

کتاب خروج، اقتدار الهی موسی بر نسل اول خروج را تایید کرد تا نسل دوم را به تصدیق اقتدار پایدار موسی بر زندگی آنها هدایت کند.

این خلاصه به سه عنصر می‌پردازد که راهنمایی مفیدی از معنای اصلی خروج به ما می‌دهند. نخست، به ما یادآوری می‌کند که عمدتاً، کتاب «درباره» نسل اول خروج نوشته شده بود، اما در عین حال، «برای» نسل دوم خروج هم نوشته شده بود.

هر فرد آشنایی با کتاب خروج می‌داند که قسمت عمده آن به توصیف وقایعی می‌پردازد که وقتی موسی اسرائیل را از مصر خارج کرد اتفاق افتادند. می‌توانیم این زمان را «آن جهان» تاریخ بنامیم. با اینحال، هرآنچه که خروج درباره «آن جهان» نسل اول می‌گوید، به گونه‌ای طراحی شده بود که با نسل دوم خروج صحبت کند؛ چیزی که می‌توانیم با عنوان «جهان آنها» از آن نام ببریم.

حال مهم است به یاد داشته باشیم که معدودی از اسرائیلیان باستان سواد خواندن داشتند. بنابراین، وقتی از «مخاطب» نسل دوم صحبت می‌کنیم، منظورمان آن نیست که هر مرد و زن و کودک یک نسخه از خروج را برداشتند و آن را برای خود خواندند. برعکس، مانند قسمت‌های دیگر عهد عتیق، موسی خروج را در درجه اول برای «راهبران» اسرائیل نوشت. یوشع، ریش سفیدان اسباط، داوران، و کاهنان و لایوان، تمرکز اصلی خروج بودند. و این راهبران مسئول بودند که محتوای کتاب را به گوش مابقی اسرائیل برسانند و آن را توضیح بدهند. به همین دلیل، خروج مستقیماً به مسائلی می‌پردازد که نسل دوم به عنوان یک ملت با آنها روبرو بودند.

همچنین مهم است دقت کنیم که بیشتر توجه موسی به «جهان آنها» به طور ضمنی باقی ماند. با اینحال، نسل دوم به قدر کافی به پیش‌زمینه منتقل می‌شوند که مطمئن باشیم موسی با در نظر داشتن «جهان آنها» نوشت. همانطور که ذکر کردیم، خروج ۱۶: ۳۵ و ۴۰: ۳۸ هر دو به نسل دوم اشاره می‌کنند. به علاوه، شجره‌نامه موجود در خروج ۶: ۱۳-۲۷ به فینحاس، نوه هارون می‌رسد. و بعداً خواهیم دید که تعدادی از قسمت‌های دیگر هم به موضوعاتی می‌پردازند که به طور خاص به نسل دوم مربوط بودند. اینها و ارجاعات مشابه نشان می‌دهند که موسی در زمان نگارش کتاب خود، هم نسل اول و هم نسل دوم را در نظر داشت.

دومین جنبه از خلاصه ما درباره هدف اصلی موسی در خروج این است که هرآنچه درباره «نسل اول» گفته شده، «برای هدایت» نسل دوم نوشته شد. به این معنا که موسی خروج را به عنوان یک کتاب کاملاً دارای اقتدار نوشت که مخاطبین اصلی نسل دوم او، می‌باید از آن در خدمت خدا اطاعت می‌کردند.

وقتی کتاب خروج را مطالعه می‌کنیم، مشخص می‌شود که موسی با دقت گزارش تاریخی خود را شکل داد تا آن را به نسل دوم مرتبط کند. موسی برای مورد خطاب قرار دادن کسانی که با او در مرز کنعان اردو زده بودند، می‌بایست به تفاوت‌های بسیار بین نسل اول و دوم توجهی دقیق می‌داشت. او آگاه بود که آنها در زمان و مکان متفاوتی زندگی کرده‌اند و با چالش‌های متفاوتی روبرو شده‌اند. بنابراین، موسی ماهرانه هر قسمت از خروج را طراحی کرد تا نقاط ارتباط بین آنها را برجسته کند. این ارتباطات به مخاطبین اصلی او اجازه داد تا بین خود و اجدادشان پل بزنند.

پس زمینه‌ها

موسی سه نوع ارتباط اساسی ایجاد کرد که اقتدار کتاب او را برای مخاطبان اصلی خود آشکار کرد. ساده‌ترین ارتباطات او از پس‌زمینه‌های تاریخی تشکیل شده بودند. این قسمت‌ها بر ریشه‌های تاریخی امتیازات و مسئولیت‌های مخاطبین اصلی او تمرکز داشتند.

یک نوع از پس‌زمینه تاریخی در خروج ۳: ۸ پدیدار می‌شود که وعده خدا به اسرائیل به تحقق آن وعده مربوط می‌شود. در این آیه، خدا وعده داد که اسرائیل را از مصر به سرزمینی ببرد که «شیر و شهد» در آن جاری بود. این پیش‌بینی به مخاطبین موسی مربوط بود چون در آستانه تحقق آن در روزگار خود بودند. نوع دیگری از پس‌زمینه تاریخی در فرامین خدا به نسل اول و وظایف متعاقب نسل دوم پدیدار می‌شود. برای نمونه، در خروج ۲۰: ۱-۱۷، موسی گزارش داد که خدا چطور ده فرمان را به نسل اول داد. این رخداد، اساس تعهدات اخلاقی برای نسل دوم را شکل داد.

نمونه‌ها

موسی علاوه بر پس‌زمینه‌های تاریخی، همچنین نمونه‌هایی تاریخی‌ای به مخاطبین خود داد که باید از آنها پیروی یا اجتناب می‌کردند. برای برقراری چنین ارتباطاتی، موسی برخی از قسمت‌ها را شکل داد تا به شباهت‌های اساسی بین نسل اول و مخاطب نسل دوم اشاره کند.

در بسیاری از قسمت‌ها، موسی از چنین نوع شباهت استفاده کرد تا نمونه‌هایی منفی برای اجتناب به مخاطب خود بدهد. برای نمونه، شکایت‌های مکرر و سرکشی‌های اسرائیل در مسیر سینا، در خروج ۱۵: ۲۴، ۱۶: ۲-۱۲، و ۱۷: ۳، بیان‌گر نمونه‌هایی منفی بود که نسل دوم باید از آنها اجتناب می‌کردند.

در نقطه مقابل، موسی همچنین نمونه‌هایی مثبت به مخاطبین خود داد تا از آنها پیروی کنند. برای مثال، اسرائیل از دستورالعمل‌های خدا برای ساخت خیمه در خروج ۳۶: ۸-۳۸ پیروی کرد. این یک الگوی مثبت برای نسل دوم بود که بعداً در خدمت خود به خدا در خیمه، از آن پیروی کنند.

موسی همچنین نمونه‌ها و شخصیت‌هایی ترکیبی ارائه کرد که دارای هر دو ویژگی‌های مثبت و منفی بودند. به عنوان یک مثال، در خروج ۷: ۸-۱۳، هارون از خدا اطاعت کرد و عصای خود را در حضور فرعون انداخت. اطاعت او به آزادی اسرائیل از مصر کمک کرد. اما در ۳۲: ۱-۳۵ او یک گوساله طلایی برای قوم ساخت که پیرستند، و ناطاعتی او منجر به تنبیه شدید اسرائیل شد. این نمونه‌ای ترکیبی به نسل دوم برای پیروی و اجتناب داد.

پیش‌سایه‌ها

در وهله سوم، موسی در چند مورد ثبت خود از وقایع را شکل داد تا به عنوان پیش‌سایه‌های تاریخی، یا مظاهری از مخاطب نسل دوم او عمل کنند.

گاهی در روایات کتاب مقدسی، مانند فیلم‌ها و ادبیات امروزی، نویسندگان از پیش‌سایه‌ها استفاده می‌کنند. ما یک مثال خوب از این را در اوایل کتاب خروج داریم؛ زمانی که موسی که مصر را ترک کرده است، به سر چاه می‌رسد و دختران یثرون را از دست این چوپانان بی‌رحم حفظ می‌کند یا نجات می‌دهد. و متن موسی را در نقش یک نجات‌دهنده، که بود، نشان می‌دهد. خُب، این پیش‌سایه‌ای از چیزی است که خدا می‌خواست از طریق او انجام دهد. او به مصر می‌رود و قوم خدا را از بند بردگی نجات می‌دهد.

- دکتر رابرت چی‌زم

این نوع از ارتباط به اندازه دیگر کتاب‌های عهد عتیق در خروج اتفاق نمی‌افتد. اما در مواردی خاص، موسی رویدادهای گذشته را به گونه‌ای توصیف کرد که تقریباً به طور کامل با تجربیات مخاطبان اصلی خود مطابقت داشت. این پیش‌سایه‌ها نشان می‌داد که تاریخ در روزگار نسل دوم خود را تکرار می‌کرد. برای مثال، در خروج ۱۳: ۱۸ اسرائیلیان «مسلح شده، از زمین مصر برآمدند.» این چیدمان نظامی نسل اول، پیش‌سایه‌ای از این بود که چطور نسل دوم نیز به عنوان یک ارتش آماده فتح ترتیب داده شده بودند.

به طریق مشابه، خروج ۴۰: ۳۴-۳۸ به ذکر این نکته می‌پردازد که وقتی خیمه عملکرد صحیحی داشت، خدا در دود و آتش ظاهر شد و قوم خود را در مسیرشان هدایت کرد. این واقعیت تاریخی پیش‌بینی می‌کرد که چگونه بعد از ۴۰ سال، حضور خداوند می‌توانست مخاطب نسل دوم را در روزگار خودشان پیش ببرد.

همانطور که دیدیم، موسی روایات خود از تاریخ نسل اول را شکل داد تا به عنوان پس‌زمینه‌ها، نمونه‌ها، و پیش‌سایه‌ها برای نسل دوم عمل کنند. او این را برای هدایت آنها در خدمت خدا انجام داد. اما همه اینها ما را به سومین و شاید مهم‌ترین عنصر در خلاصه‌مان از معنای اصلی کتاب خروج می‌رساند. کتاب خروج، در درجه اول طراحی شده بود تا اقتدار الاهی موسی بر نسل اول خروج را تایید کند که نسل دوم را به تصدیق اقتدار پایدار موسی بر زندگی آنها هدایت کند.

اکنون، ذکر این نکته ضروری است که هارون اغلب در کنار موسی در کتاب خروج ظاهر می‌شود. اما حتی زمانی که هارون دخیل است نیز، تمام قسمت‌های اساسی خروج نسل دوم را به تصدیق اقتدار مستمر موسی بر آنها می‌خواند. آنها باید تسلیم دیدگاه‌های الاهیاتی موسی، اصول اخلاقی او، سیاست‌های ملی، و مواردی از این دست می‌شدند. بعداً در این درس با جزئیات خواهیم دید که این موضوع چقدر فراگیر است. اما در این مرحله، مختصراً به دو روشی اشاره می‌کنیم که کتاب بر اهمیت موسی و اقتدار او بر اسرائیل تاکید می‌کند.

نخست، دشوار نیست ببینیم که موسی در نمایش خروج، در وسط صحنه قرار دارد. مطمئناً دو باب نخستین خروج بلافاصله او را معرفی نمی‌کنند. اما پس از اینکه نام او را در خروج ۲: ۱۰ می‌شنویم، هرآنچه که در کتاب

اتفاق می‌افتد به گونه‌ای صریح به موسی پیوند خورده است. وقتی خدا آماده نجات قوم خود از مصر بود، موسی را فرا خواند. موسی در هر داوری معجزه‌آسا علیه مصریان، نقشی اساسی داشت. شکافت دریا هنگامی رخ داد که موسی از خدا اطاعت کرد و دست خود را روی آب بلند کرد. وقتی خدا قوم را از مصر به سوی کوه سینا هدایت کرد، موسی نقش راهبر را داشت. خدا عهد خود با اسرائیل را از طریق موسی بست. موسی الواح شریعت و کتاب عهد را از طرف خدا برای قوم آورد. خدا دستورالعمل‌هایش برای خیمه را به موسی داد. موسی در بحران بت‌پرستی اسرائیل در دامنه کوه سینا به خدا خدمت کرد. و موسی، ساخت خیمه را راهبری کرد.

دوم، کتاب خروج مکرراً اقتدار موسی بر اسرائیل را برجسته می‌کند. کتاب در متونی مانند ۲: ۱۴؛ ۵: ۲۱؛ ۱۵: ۲۴؛ ۱۶: ۲-۳؛ و ۱۷: ۲، به این حقیقت می‌پردازد که اسرائیلی‌ها اقتدار موسی به عنوان راهبر خود را زیر سوال بردند. اما در زمان‌های دیگر، در متونی مانند خروج ۴: ۳۱؛ ۱۴: ۳۱؛ و ۲۰: ۱۹، اسرائیلیان اقتدار موسی بر خود را تصدیق کردند. و در قسمت‌هایی مانند خروج ۶: ۱-۸ و ۱۰-۱۳؛ ۲۴: ۲؛ و ۳۴: ۱-۴ درباره اطمینان‌بخشی خدا می‌خوانیم که خود او موسی را به عنوان رهبر مقتدر اسرائیل تعیین کرد. به عنوان یک مثال، به خروج ۱۹: ۹ گوش کنید که خدا یکی از تجلیات پیش روی خود، یا حضور الاهی‌اش را برای موسی روی کوه سینا تشریح کرد:

اینک من در ابر مُظَلِّم نزد تو می‌آیم، تا هنگامی که به تو سخن گویم قوم بشنوند، و بر تو نیز همیشه ایمان داشته باشند (خروج ۱۹: ۹).

همانطور که این متن اشاره می‌کند، خدا روی کوه سینا در یک «ابر مظلم» یا غلیظ ظاهر شد تا وقتی که اسرائیلیان می‌شنیدند که خدا با موسی صحبت می‌کند، همیشه به موسی «ایمان داشته باشند». به طوری که می‌توانیم در اینجا ببینیم، این آیه توجه را به مهم‌ترین دلیل نگارش خروج جلب می‌کند. کتاب خروج، اقتدار مستمر موسی بر اسرائیل را تصدیق می‌کرد.

وقتی او انجلیکال‌ها با کتابی مانند خروج روبرو هستند، یا هر کتاب دیگری مانند آن، در همه آنها یک تمایل طبیعی وجود دارد که خدامحور یا تئوستریک باشند؛ و منظورم این است که همه چیز را حول محور خدا متمرکز کنیم و بگوییم هر کتاب و هر جنبه‌ای از هر کتاب، همه درباره خداست. اما در واقعیت، وقتی به کتاب خروج نگاه می‌کنید، خیلی این را احساس نمی‌کنید. خدا مهم است، و از خیلی جهات او شخصیت اصلی است؛ دست‌کم از این منظر که او، به نحوی که کتاب خروج درباره آن صحبت می‌کند، تاریخ را کنترل و در آن عمل می‌کند. او کسی است که اسرائیل را از مصر نجات می‌دهد؛ او کسی است که شریعت را می‌بخشد؛ او کسی است که خیمه را به ما می‌دهد. اما در عین حال، وقتی شما به تصویر ادبی‌ای نگاه می‌کنید که از آن وقایع در کتاب خروج ترسیم شده، چیزی کشف

می‌کنید که شاید در ابتدا کمی عجیب به نظر برسد، اما من فکر می‌کنم درست و به غیر از یک استثنا، خدا هیچ کاری در کل کتاب خروج انجام نمی‌دهد مگر اینکه آن را از طریق موسی انجام بدهد. و تنها کاری که خدا صریحاً در کتاب خروج بدون موسی انجام می‌دهد، برکت دادن قابله‌ها در باب اول است. بنابراین، چیزی که در کتاب خروج پیدا می‌کنیم این است که خدا ظاهر می‌شود و کارهایی برای اسرائیل انجام می‌دهد، اما موسی همیشه آنجاست، چون او ابزاری است که خدا از طریق او آن کارها را انجام می‌دهد. و دلیلش این است که موسی و حیات او در شرف اتمام بود و موسی داشت اسرائیل را ترک می‌کرد، اما خدا قرار نبود اسرائیل را ترک کند. و بنابراین واقعیت این است که وقتی شما کتاب خروج را می‌خوانید، چیزی که با آن سر و کار دارید کتابی است که در دشت‌های موآب تکمیل شد، و به این واقعیت می‌پردازد که موسی در شرف ترک اسرائیل بود. و در نتیجه همه اینها، وقتی به کتاب خروج نگاه می‌کنیم، اسرائیل سوالاتی مانند این می‌پرسند: چه کسی باید ما را راهبری کند؟ چگونه باید ما را راهبری کند؟ چه اولویت‌هایی باید در راهبری داشته باشند؟ در حال حاضر که موسی در حال ترک ماست، باید از چه اقتداری پیروی کنیم؟ و کتاب خروج طراحی شده بود تا به چنین پرسش‌هایی پاسخ دهد. حقیقت این است که خدا اسرائیل را از مصر نجات داد، اما او اسرائیل را از طریق موسی از مصر نجات داد. بله، خدا شریعت را به اسرائیل داد، اما شریعت را از طریق موسی داد. بله، خدا خیمه را بخشید، چادر جنگ مقدسش را، اما آن را از طریق موسی انجام داد. و بنابراین، کتاب خروج برای نسل دوم اقتدار موسی را از طریق بازگویی داستان‌هایی درباره آنچه در نسل اول اتفاق افتاد، تصدیق می‌کند؛ و اینکه چطور موسی توسط خدا در نظر قوم ارتقا پیدا کرد، و به خاطر آن ارتقا، موسی می‌باید در نظر نسل دوم هم، با اینکه در شرف مرگ بود، ارتقا پیدا می‌کرد.

- دکتر ریچارد پرت

اکنون که به برخی از ملاحظات اولیه درباره نگارش، موقعیت، و معنای اصلی خروج پرداختیم، باید به ذکر چند نظر درباره کاربرد امروزی آن بپردازیم. این کتاب چگونه باید امروز در مورد پیروان مسیح اعمال شود؟

کاربرد امروزی

کتابی به پیچیدگی خروج می‌تواند از راه‌های بی‌شماری در زندگی امروزی به کار بسته شود. ما این را می‌دانیم چون هر شخصی منحصر به فرد، و با شرایط متفاوتی روبرو است. و ما بعداً در این درس با دقت بیشتری به موضوع کاربرد امروزی نگاه خواهیم کرد. اما در این مرحله، توجه به برخی از دیدگاه‌های کلی که همیشه باید آنها را هنگام به کارگیری خروج در زندگی امروزی‌مان در نظر داشته باشیم، مفید است.

به عنوان پیروان مسیح، ما می‌دانیم که کتاب خروج در زندگی ما کاربرد دارد، چون کلام خداست. اما تفاوت‌های عمده‌ای میان ما و مخاطبین اولیه کتاب وجود دارد. و به همین دلیل، ما همیشه باید به سراغ عهد جدید

برویم تا راهنمای ما در کاربرد امروزی مان باشد. عهد جدید با حدود ۲۴۰ ارجاع یا اشاره به خروج، ما را راهنمایی می‌کند. اما یک قسمت عهد جدید به ویژه مفید است. به اول قرن‌تین ۱۰: ۱-۵ نگاه کنید که پولس رسول نوشت:

پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور نمودند و همه به موسی تعمید یافتند، در ابر و در دریا؛ و همه همان خوراک روحانی را خوردند و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود. لیکن از اکثر ایشان خدا راضی نبود، زیرا که در بیابان انداخته شدند (اول قرن‌تین ۱۰: ۱-۵).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، پولس به چند واقعه اشاره کرد که در کتاب خروج گزارش شده‌اند. اما حالا به اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱ نگاه کنید که متن ادامه پیدا می‌کند:

این همه به طور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است (اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱).

این آیات در کنار هم، صریحا ارتباط کتاب خروج به پیروان مسیح را تایید می‌کنند. همانطور که پولس می‌گوید، «این همه به طور مثل بدیشان واقع شد»، و «برای تنبیه ما مکتوب گردید». کلام پولس در اینجا به ما کمک می‌کند که ببینیم خروج نه تنها برای «آن جهان» و نه فقط برای «جهان آنها» نوشته شد؛ بلکه همچنین برای «جهان ما» نیز نوشته شده است. برای آنکه به زبان این درس بیان کنیم، کتاب خروج تنها برای هدایت مخاطبین اولیه خود نوشته نشد. بلکه همچنین، «برای ما»، برای پیروان مسیح نیز هست.

گوش کنید که چطور پولس رسول، دنیای پیروان مسیح را توصیف کرد. ما آنانی هستیم که در «اواخر عالم» یا «اوج زمان» قرار داریم. واژه «اوج» از کلمه یونانی تِلوس (telos - τέλος) ترجمه شده، که غالبا «پایان»، «غایت» یا «هدف» ترجمه می‌شود. مسیحیان در زمانی زندگی می‌کنند که نقشه خدا برای تاریخ به پایان یا هدف خود در مسیح نزدیک می‌شود. در اصطلاح متداول الاهیاتی، ما که پیرو عیسی هستیم، در عصر «آخرت‌شناسانه»، «غایت‌شناسانه» یا «زمان‌های آخر» تاریخ زندگی می‌کنیم.

برای درک آنچه پولس در ذهن داشت، باید تشخیص بدهیم که وقتی ما ایمان نجات‌بخش به مسیح پیدا می‌کنیم، بخشی از این سفر می‌شویم. ما در واقع وارد «روزهای آخر» سفر موسی و اسرائیل از بردگی و استبداد در مصر به آزادی و برکت در سرزمین موعود خدا می‌شویم.

عهد جدید به طور کلی تعلیم می‌دهد که عصر آخرت‌شناسانه یا روزهای آخر در مسیح، طی سه مرحله اصلی آشکار می‌شود. بنابراین، از یک دیدگاه کتاب‌مقدسی، این آخرین بخش از سفر موسی و اسرائیل با تاسیس پادشاهی مسیح در طی خدمت زمینی او آغاز می‌شود. و سفر موسی و اسرائیل در کتاب خروج در طی این روزهای آخری که ما در اتحاد با مسیح در زمان تداوم پادشاهی او در سراسر تاریخ کلیسا زندگی می‌کنیم، پیش می‌رود. و در نهایت، درست همانطور که موسی و اسرائیل از مصر به سرزمین وعده سفر کردند، روزهای پایانی سفر ما در مسیح نیز با تکمیل پادشاهی او خاتمه خواهد یافت؛ زمانی که در بازگشت پرجلال او، ما وارد آسمان‌ها و زمین جدید خواهیم شد.

به این ترتیب، همانطور که اول قرن‌تین باب ۱۰ نشان می‌دهد، ما باید هر مضمون کتاب خروج برای مسیحیان امروزی را در پرتو تاسیس، تداوم، و تکمیل روزهای آخر در مسیح به کار ببندیم. ما می‌توانیم از چند راه این ارتباطات را برقرار کنیم. برای مثال، خروج به ما می‌گوید که اسرائیل در کوه سینا از طریق موسی وارد عهدی با خدا شدند. به طریق مشابه، مسیحیان نیز از طریق مسیح وارد عهد جدید می‌شوند. اما این عهد جدید، با ظهور اولیه مسیح آغاز می‌شود؛ اکنون ادامه دارد؛ و در ظهور دوم مسیح تکمیل خواهد شد. به عنوان یک مثال دیگر، خروج از حضور خدا در خیمه، در روزگار موسی گزارش می‌دهد. عهد جدید تعلیم می‌دهد که حضور خدا در مسیح حتی عظیم‌تر است. عیسی خودش حضور خدا بود که در زمان تاسیس پادشاهی‌اش در میان ما ساکن شد. در تداوم پادشاهی، روح‌القدس اکنون در تک‌تک ایمانداران و به طور کلی در کلیسا ساکن است. و در تکمیل تاریخ، جلال خدا همه چیز را فرا خواهد گرفت، چون آفرینش جدید به مسکن مقدس او تبدیل خواهد شد.

خروج همچنین شکست دشمنان خدا در روزگار موسی را آشکار می‌کند. و عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح گناه و مرگ را شکست می‌دهد. مسیح این مرحله نهایی شکست دشمنان خدا را به عنوان جنگجوی نیرومند او در ظهور اولیه خود آغاز کرد. کلیسا اکنون مسیح را به عنوان ارتش او، با پوشیدن اسلحه تمام خدا در جنگ روحانی، پیروی می‌کند. و وقتی که او در جلال برگردد، مسیح جنگ عظیم کیهانی خود علیه دشمنان خدا را تکمیل خواهد کرد.

علاوه بر این، در خروج، اسرائیلیان به سوی میراث خود از خدا در سرزمین وعده پیش می‌رفتند. این اول قدم آنها در گسترش حاکمیت خدا در سرتاسر زمین بود. عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیحیان میراث خود را در مسیح به دست می‌آورند. مسیح، خود میراث خویش را در افتتاح پادشاهی‌اش تضمین کرد. ما امروز به عنوان مسیحیان، به لذت بردن از پیش‌پرداخت میراث‌مان در روح‌القدس ادامه می‌دهیم. و هنگامی که مسیح برگردد، او — و ما در او — وارث همه چیز خواهیم شد.

اینها، و ارتباطات گسترده دیگر، روشن می‌کنند که چطور تمرکز برجسته خروج بر اقتدار پایدار موسی، همچنان بر ما در مسیح اعمال می‌شود. به طور خلاصه، خروج، مخاطبان اصلی خود را دعوت کرد تا با توجه به آنچه خدا در روزگار آنها انجام می‌داد، به اقتدار موسی وفادار بمانند. و خروج اکنون ما را فرا می‌خواند تا در پرتو همه آنچه که خدا در مسیح انجام داده، انجام می‌دهد، و در مسیح انجام خواهد داد، به اقتدار مسیح وفادار بمانیم. حال که به برخی از ملاحظات اولیه درباره کتاب خروج پرداختیم، باید به سراغ دومین موضوع اصلی مان در این درس برویم: یعنی ساختار و محتوای کتاب.

ساختار و محتوا

کتاب خروج از چهل باب تشکیل شده که شامل بسیاری شخصیت‌ها، زمینه‌ها، و رویدادهای مختلف است. ما انواع ادبی مختلفی، شامل روایت، سرود، شجره‌نامه، فهرست، شریعت، خطابه‌ها، دعاها و دستورالعمل‌ها را در آن پیدا می‌کنیم. و این پیچیدگی‌ها، گاهی تمایز بین قسمت‌های اصلی، بخش‌ها و قطعه‌های کوچک‌تر کتاب را مشکل می‌کند. بنابراین طرح کلی خروج را می‌توان به شکل‌های بسیاری ترسیم کرد. اما وقتی که هدف اصلی کتاب را به یاد بیاوریم، تشخیص ساختار و محتوای اساسی آن دشوار نیست.

کتاب خروج دو قسمت اصلی دارد. نیمه نخست در ۱: ۱-۱۸: ۲۷، بر رهایی موسی و اسرائیل از مصر به کوه سینا تمرکز دارد. نیمه دوم، در ۱۹: ۱-۴۰: ۳۸، به آمادگی موسی و اسرائیل برای کنعان در کوه سینا می‌پردازد. ما به ویژه، به چگونگی تمرکز این دو قسمت اصلی بر اقتدار پایدار موسی بر نسل دوم خروج خواهیم پرداخت. بیایید با رهایی موسی و اسرائیل از مصر به کوه سینا شروع کنیم.

رهایی از مصر (خروج ۱: ۱-۱۸: ۲۷)

رهایی موسی و اسرائیل از مصر، با تمرکز بر اقتدار موسی «پیش» از رهایی اسرائیل آغاز می‌شود. ما این را در خروج ۱: ۱-۴: ۳۱ می‌بینیم. سپس، در ۵: ۱-۱۸: ۲۷، موسی بر وقایع حین رهایی اسرائیل از مصر متمرکز می‌شود. بیایید ابتدا ببینیم خروج به ما درباره وقایع پیش از رهایی اسرائیل چه می‌گوید.

پیش از رهایی (۱: ۱-۴: ۳۱)

وقایع پیش از رهایی اسرائیل می‌تواند به دو قسمت تقسیم شود. نخست، تولد و رشد موسی در ۱: ۱ آغاز می‌شود و تا ۲: ۱۰ ادامه پیدا می‌کند. پس از این، در ۲: ۱۱-۴: ۳۱، درباره ارتقای موسی به راهبری اسرائیل می‌آموزیم. با داستان تولد و رشد موسی شروع می‌کنیم.

تولد و رشد (۱: ۱-۲: ۱۰). این آیات به هرگونه اعتراض علیه اقتدار موسی که ممکن است به دلیل آنکه موسی کودکی خود را در دربار مصر گذرانده بیان شود، اشاره می‌کند. در آغاز داستان، فرعون در وحشت از یک شورش به خاطر افزایش تعداد اسرائیل بود. او سه برنامه زیرکانه برای کنترل جمعیت اسرائیل طراحی کرد. اما نقشه او دربارهٔ تحمیل کار سخت شکست خورد. دستور او به قابله‌ها برای قتل نوزادان پسر اسرائیلی در زمان تولد، شکست خورد. و از همه مهم‌تر، برای غرق کردن نوزادان پسر اسرائیلی در نیل نیز شکست خورد.

طنز در طول تمام این قسمت‌ها ادامه دارد. اما بزرگ‌ترین طنز ماجرا زمانی است که دختر خود فرعون، با نجات موسی از نیل، آخرین نقشه او را با شکست مواجه کرد. سپس دختر فرعون در ۲: ۱۰، اسم موسی را به او داد و گفت، «او را از آب کشیدم.» حال در زبان مصری، «موسی» صرفاً به معنای «پسر» بود و به اکثر مردم نشان می‌داد که موسی عضوی از دربار پادشاهی است. اما دختر فرعون به وضوح توضیح داد که او نام موسی را انتخاب کرده است چون مانند فعل عبری مِشه (מִשָּׁה - mashah) به گوش می‌رسید و به معنای «بیرون کشیدن» بود. بنابراین، در گوش اسرائیلیان وفادار، نام موسی نشان نمی‌داد که او پسر فرعون است. بلکه در عوض، نام «موسی» با یادآوری به اسرائیل که چطور تلاش فرعون برای صدمه به آنها شکست خورد، فرعون را به سخره می‌گرفت.

ارتقا به راهبری (۲: ۱۱-۴: ۳۱). روایت وقایع پیش از رهایی اسرائیل از مصر، سپس از تولد و رشد موسی به سوالاتی دربارهٔ ارتقای موسی به راهبری در ۲: ۱۱-۴: ۳۱ می‌پردازد.

در خروج ۲: ۱۴، یک اسرائیلی با موسی مواجه شد و پرسید، «کیست که تو را بر ما حاکم یا داور ساخته است؟» تمام این قسمت با توضیح اینکه چطور موسی، راهبر مقتدر اسرائیل شد، به این پرسش پاسخ می‌دهد. پاسخ به پرسش فرد اسرائیلی در یک لف و نشر نامرتب شش مرحله‌ای پدیدار می‌شود؛ یک ساختار ادبی که در آن، قسمت‌های پیشین و پسین یک بخش موازی یا در تعادل با یکدیگر هستند.

نخست، فرار موسی از مصر در خروج ۲: ۱۱-۱۵، با توضیح اینکه موسی به دلیل قتل یک مصری در دفاع از یک بردهٔ اسرائیلی مجبور به فرار شده بود، او را به عنوان راهبر اسرائیل تصدیق می‌کرد.

دوم، موسی در ۲: ۱۶-۲۲ با یک خانوادهٔ مدیانی وصلت کرد. آیهٔ ۲۲ اشاره می‌کند که نام پسر موسی، «جرشون» بود. همانطور که این قسمت توضیح می‌دهد، این نام مانند اصطلاح عبری «گر شام» (גֵר שָׁמ - ger sham) به گوش می‌رسید، که به معنای «یک غریبه در آنجا» بود. این نام نشان می‌داد که موسی خود را مانند یک غریبه در بین مدیانی‌ها احساس می‌کرد. به عبارت دیگر، او هرگز هویت واقعی اسرائیلی خود را از دست نداد.

قسمت سوم در خروج ۲: ۲۳-۲۵، به یادآوردن خدا از عهد خود اشاره می‌کند. در این بخش، اسرائیلیان فریاد کمک برآوردند و خدا با به یادآوردن وعدهٔ خود به پاتریارک‌های اسرائیل پاسخ داد.

قسمت چهارم در ارتباط با بخش پیشین است. باب ۳: ۱-۴: ۱۷، دربارهٔ ماموریت خدا به موسی در بوتۀ مشتعل می‌گوید. در اینجا، راهبری اسرائیل با این حقیقت اثبات شد که خدا عهد خود با پاتریارک‌های اسرائیل را از طریق فراخوانی موسی به خارج کردن اسرائیل از مصر و هدایت آنها به سرزمین وعده، به یاد آورد.

قسمت پنجم، در خروج ۴: ۱۸-۲۶، در ارتباط با دومین بخش دوران موسی با خانوادهٔ مدیانی خود است. این بخش به توصیف خروج موسی از نزد خانوادهٔ مدیانی‌اش می‌پردازد. این قسمت دوباره بر جرشون تمرکز می‌کند، چون موسی او را ختنه نکرد. در این بخش، خدا موسی را در راستای عهدش با ابراهیم در پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴، به مرگ تهدید کرد. اما حتی این واقعه هم نمایانگر حمایت خدا از راهبری موسی بود. ما این را از آنجا می‌دانیم که وقتی صفوره، همسر مدیانی موسی، جرشون را ختنه کرد، خدا با رحمت پاسخ داد.

و در نهایت، در توازن با فرار آغازین موسی از مصر، خروج ۴: ۲۷-۳۱ از بازگشت موسی به مصر همراه هارون خبر می‌دهد. ارتقای موسی به راهبری در اینجا نیز تصدیق شده است. در ۴: ۳۱ می‌آموزیم که اسرائیلیان به خدا ایمان آوردند و او را پرستش کردند، چون موسی را برای‌شان فرستاده بود.

گوش کنید، روشی که همهٔ ما داستانی تعریف می‌کنیم، روشی که هر کسی داستانی تعریف می‌کند، اینطور است که یک آغاز و یک پایان وجود دارد، یک مسیر اوج وجود دارد، یک نقطهٔ عطف هست، و مسیری رو به پایین از آن وجود دارد، و این متقارن خواهد بود... بنابراین، وقتی چنین ساختار متقارنی را در روایات کتاب مقدسی می‌بینیم، نباید تعجب کنیم. در حقیقت، این همان چیزی هست که انتظار داریم در روایات کتاب مقدسی پیدا کنیم. مطالب قصه‌گویان کتاب مقدسی، روایان کتاب مقدسی، ساخته و پرداختهٔ خودشان نیست. آنها مطالب‌شان را دستکاری نمی‌کنند تا به شکل یک اثر هنری در بیاید؛ این صرفاً روشی است که ما داستان‌ها را بیان می‌کنیم و انتظار داریم به این شکل باشند. این انتظار، آگاهی از نحوهٔ عملکرد یک طرح روایی، به ما ابزاری می‌دهد که بدانیم به چه چیزی نگاه کنیم و دنبال چه چیزی باشیم.

- دکتر گوردون جانستون

اکنون به نجات موسی و اسرائیل پیش از رهایی از مصر نگاه کردیم، باید به سراغ فعالیت‌های موسی «در حین» رهایی اسرائیل در خروج ۵: ۱-۱۸: ۲۷ برویم.

در حین رهایی (۵: ۱-۱۸: ۲۷)

فعالیت‌های موسی در حین رهایی اسرائیل با حضور او در مصر آغاز می‌شود که در خروج ۵: ۱-۱۳: ۱۶ آمده است. پس از این دربارهٔ راهبری موسی در راهپیمایی از مصر به کوه سینا در خروج ۱۳: ۱۷-۱۸: ۲۷ می‌آموزیم. بیایید به حضور موسی در مصر نگاه کنیم.

در مصر (۵: ۱-۱۳: ۱۶). زمان حضور موسی در مصر به ایراداتی که ممکن است علیه موسی وارد شده باشد پاسخ می‌دهد چون تلاش‌های اولیهٔ او در مصر، ناخواسته باعث رنج اسرائیلیان شد.

در ۵: ۱-۶: ۲۷، دو رشتهٔ موازی را می‌خوانیم که هر دو شامل رد راهبری موسی توسط اسرائیل، تاسف موسی، و اطمینان‌بخشی خدا. رشتهٔ اول در ۵: ۱-۶: ۸ پدیدار می‌شود. اسرائیلیان موسی را به خاطر تحریک فرعون علیه آنها، رد کردند. موسی با فروتنی تاسف خورد. و خدا به او از خواندگی‌اش به راهبری اسرائیل اطمینان داد. رشتهٔ دوم در ۶: ۹-۲۷ از الگوی مشابهی پیروی می‌کند. اما در پی دومین نفی موسی توسط اسرائیل، و دومین تاسف موسی، این بار اطمینان‌بخشی خدا در قالب یک شجره‌نامه خود را نشان می‌دهد. باب ۶: ۱۳-۲۷، شجره‌نامهٔ موسی و هارون را از جد آنها لاوی تا نوهٔ هارون، فینحاس، دنبال می‌کند. لاوی البته یکی از دوازده پاتریارک اسرائیل بود. و فینحاس مطابق باب‌های ۲۵ و ۳۱ اعداد، اسرائیلیان را در خدمت وفادارانه به خدا در روزگار نسل دوم هدایت کرد. در اینجا خدا به نسل دوم اطمینان داد که موسی و هارون اسرائیلیان حقیقی و از نسل اسباط یعقوب بودند. و در فینحاس، آنها می‌توانستند میراث دست اول وفادار موسی و هارون را ببینند و مطمئن باشند که این مردان توسط خدا برای راهبری آنها خوانده شده‌اند.

این موضوع ما را به دومین بخش از فعالیت‌های موسی در مصر می‌برد: داوری‌های معجزه‌آسای خدا بر مصر در خروج ۶: ۲۸-۱۳: ۱۶. این باب‌ها با اشاره به نقش بنیادینی که موسی در اعمال خارق‌العادهٔ داوری خدا علیه مصریان ایفا کرد، اقتدار موسی را تصدیق می‌کنند.

داوری مقدماتی مارها، در ۶: ۲۸-۷: ۱۳ نمایان می‌شود. عصای هارون به شکلی معجزه‌آسا به مار تبدیل شد و با بلعیدن مارهایی که جادوگران فرعون درست کرده بودند، قدرت خدا بر مصر را به نمایش گذاشت. بعد از این معجزهٔ مقدماتی، مجموعه‌ای از نه داوری در خروج ۷: ۱۴-۱۰: ۲۹ نمایان می‌شود. این نه داوری به طور مساوی به سه مجموعه تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها با مقابلهٔ موسی با فرعون در رود نیل آغاز می‌شود.

نخستین مجموعه در ۷: ۱۴-۸: ۱۹ است و شامل تبدیل آب به خون، مملو شدن زمین از قورباغه‌ها، و پیدایی پشه‌ها از غبار می‌شود. دومین مجموعه که در ۸: ۲۰-۹: ۱۲ آمده، شامل بلای مگس‌ها، بلایی بر احشام مصریان، و بلای دُم‌ل‌ها است. سومین مجموعه از ۹: ۱۳-۱۰: ۲۹، شامل داوری‌های تگرگ، ملخ‌ها، و تاریکی می‌شود. نقش بنیادین موسی در تمام این داوری‌های معجزه‌آسا، تصدیق‌کنندهٔ اقتدار او به عنوان راهبر اسرائیل بود.

نهایتاً، آخرین داوری که پسح است، این بخش را در ۱۱: ۱-۱۳: ۱۶ به پایان می‌برد. پس از آنکه خدا تمام پسران نخست‌زاده را در مصر کُشت، فرعون بالاخره به اسرائیل اجازه داد که بروند. با نگاه به اتفاقات حین رهایی اسرائیل که در مصر رخ دادند، باید به سراغ راه‌هایی برویم که خدا همچنین اقتدار موسی را در طی راهپیمایی از مصر تا کوه سینا در خروج ۱۳: ۱۷-۱۸: ۲۷ تصدیق کرد.

در راهپیمایی (۱۳: ۱۷-۱۸: ۲۷). حال، علیرغم مشکلاتی که اسرائیل در راهپیمایی به سوی سینا تجربه کرد، توجه به این نکته ضروری است که اسرائیل مصر را بدون آمادگی ترک نکرد. خروج ۱۳: ۱۸ صریحاً به ما می‌گوید که اسرائیلیان «مسلح» شده بودند. در پرتو این زمینه نظامی، کل این بخش با درگیری با سایر ملل و نیاز به آب و غذا برای ارتش اسرائیل مشخص می‌شود. راهپیمایی اسرائیل با آرایش جنگی، به چهار قطعه اصلی تقسیم می‌شود. قطعه اول به موضوع تصدیق اقتدار موسی در دریا، در ۱۳: ۱۷-۱۵: ۲۱ می‌پردازد. در خروج ۱۴: ۳۱، پس از آنکه اسرائیل از دریا روی زمین خشک رد شدند، این تصدیق درباره موسی را می‌خوانیم:

اسرائیل آن کار عظیمی را که خداوند به مصریان کرده بود دیدند، و قوم از خداوند ترسیدند، و به خداوند و به بنده او موسی ایمان آوردند (خروج ۱۴: ۳۱).

این آیه، قدرتمندانه نکات اصلی این بخش را ارائه می‌دهد. ارتش اسرائیل، «از خداوند ترسیدند، و به خداوند» و همچنین «به بنده او موسی ایمان آوردند». البته، پیام برای مخاطبین اولیه خروج واضح بود. آنها نیز می‌بایست به خدا و موسی در روزگار خودشان ایمان می‌داشتند. پس از این، ارتش اسرائیل در ۱۵: ۲۲-۲۷ به سوی صحرای شور راهپیمایی کردند. مردم در صحرای شور اقتدار موسی را با غرولند علیه او به چالش کشیدند، چون آبی که موسی پیدا کرده بود، قابل نوشیدن نبود. بنابراین، خدا با ارائه تکه چوبی که آب را شیرین کرد، موسی را به عنوان راهبر اسرائیل تجلیل کرد. در قسمت سوم، اسرائیلیان در ۱۶: ۱-۳۶ به صحرای سین رسیدند. اسرائیلی‌ها در صحرای سین یک بار دیگر با غرولند علیه موسی و هارون، اقتدار موسی را به چالش کشیدند. اما این بار، در آیه ۷، موسی تاکید می‌کند که آنها در حقیقت علیه خدا شکایت می‌کرده‌اند. و خدا با بخشیدن بلرچین به اسرائیل برای خوراک و بخشش مرتب من^۲ به آنها، موسی را تصدیق کرد.

خدا با فراهم کردن نیازهای قوم در بیابان، اقتدار موسی را تایید می‌کند. با اینکه آنها علیه موسی و علیه خداوند شکایت می‌کنند، اما خدا سخاوتمندانه از صخره به آنها آب می‌دهد، از آسمان به آنها من می‌بخشد، و همه آنها نه فقط از مراقبت پدرائه او سرچشمه می‌گیرد، بلکه تا تایید کند که موسی همان کسی است که او فرستاده... غالب اوقات، ما به عنوان مسیحیان، درباره باور داشتن به یک انسان، ایمان داشتن به یک مرد فکر نمی‌کنیم، اما اینجا موردی وجود دارد که مردم در حقیقت خوانده شده‌اند که نه تنها به خداوند ایمان داشته باشند، بلکه به موسی نیز به عنوان ابزار و مامور خدا در این مورد، باور داشته باشند. ما این را در پشت دریای سرخ هم می‌بینیم؛ وقتی که خدا بر لشکرهای مصر که در حال عبور از دریا بودند پیروز شد. آنجا در آن طرف دریا، می‌شنویم که مردم شاد شدند و خدا را ستایش کردند و به خدا و موسی ایمان آوردند.

- پروفیسور توماس اِگر

چهارمین و آخرین مکانی که اسرائیل به آنجا راهپیمایی کرد، رفیدیم در خروج ۱۷: ۱-۱۸: ۲۷ بود. این قسمت نسبتاً طولانی، به سه داستان فرعی تقسیم می‌شود. نخست، در خروج ۱۷: ۱-۷، قوم دوباره با شکایت درباره آب، خدا را امتحان کردند. در پاسخ، خدا به موسی فرمان داد که مشایخ را با خود به کوه سینا ببرد. در آنجا خدا به موسی دستور داد تا به صخره ضربه بزند، و آب جاری شد. اسرائیلیان علیرغم این معجزه، حتی بیشتر با خدا ستیز کردند. آنها سرکشانه در آیه ۷ گفتند، «آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟» دو داستان بعدی روی این مسئله تمرکز می‌کنند.

حال برای اینکه درک کنیم این داستان‌ها چگونه به پرسش بالا پاسخ می‌دهند، باید چیزی را به یاد بیاوریم که اسرائیلی‌ها به خوبی می‌دانستند. در پیدایش ۱۲: ۳، خدا به ابراهیم وعده داد که او به تمام کسانی که اسرائیل را برکت بدهند برکت می‌دهد و همه کسانی که او را لعنت کنند، لعنت می‌کند. بنابراین، در راستای این وعده، در خروج ۱۷: ۸-۱۶، وقتی عمالیقیان به اسرائیل حمله کردند، خدا آنان را شکست داد و لعنت‌شان کرد.

سپس در آخرین داستان این بخش، در ۱۸: ۱-۲۷، یترون در صلح نزد موسی آمد. از آنجا که یترون اسرائیلیان را برکت داد، خدا نیز یترون را برکت داد. این دو رویداد بدون هیچ شبهه‌ای نشان داد که خدا همانطور که به ابراهیم وعده داده بود، در میان اسرائیلیان حضور داشت. وقتی ارتش اسرائیل از موسی پیروی می‌کرد، از حمایت قدرتمند خدا برخوردار می‌شد.

تا به اینجا، دیدیم که چگونه ساختار و محتوای خروج ابتدا با تمرکز بر موسی و رهایی اسرائیل از مصر به کوه سینا، به موضوع اقتدار موسی می‌پردازد. اکنون باید به سراغ دومین نیمه کتاب در خروج ۱۹: ۱-۴۰: ۳۸ برویم. این فصول با پرداختن به آمادگی موسی و اسرائیل در کوه سینا برای کنعان، اقتدار موسی را نشان می‌دهد.

آمادگی برای کنعان (خروج ۱۹: ۱-۴۰: ۳۸)

اکثر دانشجویان کتاب مقدس با آنچه برای موسی و اسرائیلیان هنگام اردو در دامنه کوه سینا اتفاق افتاد، آشنا هستند - اینکه چطور خدا شریعت و خیمه خود را به آنها بخشید. اما خروج تنها از چند مورد که واقعا در آنجا اتفاق افتاد به ما می‌گوید. ما این را از آنجا می‌دانیم که کتاب لاویان به ما از چندین مورد دیگر خبر می‌دهد که در آن زمان رخ دادند. به همین دلیل، می‌دانیم که این فصول بسیار گزیده هستند. آنها برای تاکید بر دیدگاه‌های خاصی در مورد این رویدادها طراحی شده بودند. و همانطور که خواهیم دید، آنها به ویژه بر این موضوع تمرکز می‌کنند که خدا چطور قدرت موسی بر اسرائیل را در کوه سینا نشان داد.

آمادگی موسی و اسرائیل برای کنعان، به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول در خروج ۱۹: ۱-۲۴: ۱۱ پدیدار می‌شود و به اقتدار موسی و عهد اسرائیل می‌پردازد. دومین بخش در ۲۴: ۱۲-۴۰: ۳۸ بر اقتدار موسی و خیمه اسرائیل تاکید می‌کند. بیایید به عهد اسرائیل نگاه کنیم.

عهد اسرائیل (۱۹: ۱-۲۴: ۱۱)

حال، ثبت عهد اسرائیل به پرسشی اساسی برای مخاطبین اولیه خروج پاسخ می‌دهد: چرا نسل دوم خروج باید تسلیم عهد شریعتی می‌شدند که پیشینیان آنها از موسی در کوه سینا دریافت کرده بودند؟ چرا نباید مسیر متفاوتی را دنبال می‌کردند؟

فصولی که عهد اسرائیل اختصاص دارند، در چهار مرحله این سوال پاسخ می‌دهند. نخست، در خروج ۱۹: ۱ از ابتدای آیه ۸ ما آغاز عهد اسرائیل با خدا را می‌بینیم.

آغاز عهد (۱۹: ۱-۸). این آیات، شرایط اساسی عهد موسایی را ارائه می‌دهند: خدا به اسرائیلیان سخاوتمندی نشان داد؛ از آنها وفاداری خواست؛ و اگر از او اطاعت می‌کردند، برکت می‌یافتند. خروج ۱۹: ۸، این بخش را با پاسخ مشتاقانه و متفق‌القول اسرائیل پایان می‌دهد: « آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد.» و البته، نکته روشن بود؛ مخاطب نسل دوم خروج می‌بایست از پیشینیان خویش تبعیت می‌کردند. آنها باید از طریق موسی، با اشتیاقی یکسان به عهد خدا تعهد می‌دادند.

اعتماد اسرائیل به موسی (۱۹: ۸-۲۰: ۲۰). دومین مرحله اقتدار موسی و عهد اسرائیل بر اعتماد اسرائیل به موسی به عنوان میانجی عهد خدا تمرکز می‌کند. این قسمت از بخش دوم آیه ۸ در باب ۱۹ خروج آغاز می‌شود و تا ۲۰: ۲۰ ادامه پیدا می‌کند. به یاد دارید که خدا در ۱۹: ۹، به موسی اینطور وعده داد:

اینک من در ابر مظلّم نزد تو می‌آیم، تا هنگامی که به تو سخن گویم قوم بشنوند، و بر تو نیز همیشه ایمان داشته باشند (خروج ۱۹: ۹).

دقت کنید که در اینجا خدا گفت بر کوه سینا ظاهر خواهد شد و با موسی صحبت می‌کند تا «[قوم] بر [موسی] نیز همیشه ایمان داشته باشند.» سپس، صحنه‌هایی که در ادامه می‌آیند، توضیح می‌دهند که خدا چطور وعده خود را به انجام رساند.

بدنه اصلی این مرحله، شامل دو مجموعه موازی از دستورالعمل‌های خدا، اطاعت موسی، و تجلی خداست. مجموعه اول در ۱۹: ۱۰-۱۹ پدیدار می‌شود؛ جایی که خدا به موسی دستور داد تا اسرائیل را برای ملاقات با او آماده کند. موسی از دستور خدا اطاعت کرد و نتیجه آن یک تجلی چشمگیر روی کوه سینا بود - ابراز حضور شکوهمند، مرئی و شنیدنی خدا در آنجا.

سپس دومین مجموعه را در خروج ۱۹: ۲۰-۲۵ می‌خوانیم. خدا یک بار دیگر به موسی دستور داد که قوم را آماده کند، و موسی اطاعت کرد. در نتیجه، در ۲۰: ۱-۱۷، روایت به تجلی خدا بر کوه سینا بر می‌گردد که خدا از ده فرمان برای تمام اسرائیل صحبت کرد تا او را بشنوند.

در راستای وعده خدا در قطعه آغازین این بخش، خروج ۲۰: ۱۸-۲۰ شرح می‌دهد که این وعده خدا به موسی محقق شد. این آیات نشان می‌دهد که چگونه اسرائیلیان پس از شنیدن صدای خدا از کوه به قدری وحشت‌زده شدند که از خدا خواستند مستقیماً با آنها صحبت نکنند. آنان به موسی التماس کردند که از طرف خدا با ایشان صحبت کند. مفهوم این تقاضا برای مخاطبین نسل دوم به قدر کافی شفاف بود. پیشینیان آنها به موسی به عنوان میانجی عهد شریعت خدا روی آوردند و آنان نیز می‌بایست چنین می‌کردند.

عهد شریعت موسی (۲۰: ۲۱-۲۳: ۳۳). سومین مرحله در این قسمت از اقتدار موسی و عهد اسرائیل در خروج ۲۰: ۲۱-۲۳: ۳۳ آمده است. این فصول محتوای عهد شریعت موسی را ارائه می‌دهند. تمام این مرحله با ذکر اینکه خدا شخصاً به موسی فرمان داد تا شریعت را به اسرائیل برساند، به تصدیق اقتدار موسی می‌پردازد.

این مرحله در ۲۰: ۲۱-۲۶ معرفی شده است. در اینجا خدا به موسی دستور داد تا قوانین او برای پرستش را به اسرائیل بگوید - دستورات مربوط به بت‌ها و مذبح‌ها. این آیات عمدتاً درباره دو فرمان اول از ده فرمان توضیح می‌دهند. پس از این، در خروج ۲۱: ۱-۲۳: ۳۳ خدا به موسی دستور داد تا محتوای کتاب عهد را به اسرائیل بگوید. برای درک اینکه کتاب عهد قرار بود چطور در اسرائیل عمل کند، لازم است دقت کنیم که خدا در خروج ۲۱: ۱، کتاب عهد را اینطور تعریف کرد:

این است احکامی که پیش ایشان می‌گذاری (خروج ۲۱: ۱).

اصطلاح عبری‌ای که در اینجا «احکام» ترجمه شده، «هامیش پاتیم» (הַמִּשְׁפָּטִים - hammishpatim) است. این اصطلاح در خود دارای مفاهیم «احکام حقوقی» یا آنچه می‌توانیم آن را «قوانین قضایی» بخوانیم، است. این نقش برای کتاب عهد، جهت‌گیری روشنی نسبت به عهد دوجنبه شریعت از طریق موسی به دست‌مان می‌دهد. اساساً، ده فرمان به عنوان قوانین تشریحی، یا اصول حقوقی جامع در اسرائیل عمل می‌کرد. و کتاب عهد، نمونه‌های حقوقی درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات را ارائه می‌کرد که داوران اسرائیل می‌بایست از آنها پیروی می‌کردند. بسیاری از این نمونه‌ها شبیه به قوانین موجود در قانون حمورابی و سایر قانون‌های باستانی خاور نزدیک است. این قوانین و کتاب عهد برای به‌کارگیری توسط قضات و داوران در دادگاه‌های ملی‌شان طراحی شده بود.

کتاب عهد تشابهات بسیاری با قوانین حقوقی‌ای دارد که ما در خاور نزدیک باستان، از هزاره سوم تا دوم پیش از میلاد می‌بینیم. از این نظر تفاوت دارد که در یک زمینه عهدی است. قانون حمورابی، مشهورترین در بین آنهاست، گسترده‌ترین در بین این قوانین حقوقی... نحوه‌ای که قوانین در یک الگوی «اگر - پس» قاعده‌بندی شده‌اند - با «پس» که معمولاً مجازاتی مدنی برای وضعیت ارائه می‌کرد - بسیار به چگونگی قاعده‌بندی شریعت در خروج ۲۱: ۱ تا فکر می‌کنم حدود ۲۲: ۱۶، فکر می‌کنم همین باشد، شباهت دارد، در یک ساختار «اگر - پس» که شکل تطبیقی خوانده می‌شود، یک شکل قانون پرونده‌ای. وقتی وارد جزئیات واقعی می‌شویم، تفاوت بین جامعه اسرائیلی باستان و جامعه بابل باستان، بگذارید بگوییم یک دولت - شهر در بین‌النهرین، بسیار متفاوت است. یک دولت - شهر در تمدن بابل، مانند بابل، دارای یک جامعه بسیار طبقاتی است، که افراد آزاد دارد، افراد آزاد به دنیا آمده و سپس افرادی عادی در طبقه‌ای دیگر، و بعد هم بردگان. همچنین دارای یک اقتصاد بسیار متمایز با نقش‌های اقتصادی مختلف در جامعه است. یک مجموعه معبد قدرتمند وجود دارد که در کل اقتصاد نقش ایفا می‌کند. کاخ، کاخ سلطنتی، یک عامل عمده در ساختار اجتماعی است. و تقریباً مانند یک جامعه فئودالی هست، همانطور که ما درباره یک جامعه فئودالی قرون وسطایی فکر می‌کنیم. جامعه اسرائیلی بیشتر تساوی‌گراست، نه به معنای فردگرایی امروزی، اما بر پایه یک اقتصاد زراعی و یک سازمان قبیله‌ای برای نگهداری از زمین است. بنابراین در اینجا همان امتیاز، همان جامعه طبقاتی که شما در قانون حمورابی پیدا می‌کنید وجود ندارد.

- دکتر داگلاس گراپ

تصدیق عهد (۲۴: ۱-۱۱). در مرحله چهارم و پایانی از اقتدار موسی و عهد اسرائیل، خروج ۲۴: ۱-۱۱ تصدیق عهد را ثبت کرده است. مرحله چهارم چیزی را کامل می‌کند که با آغاز عهد در خروج ۱۹: ۱ تا ابتدای آیه ۸ شروع شد. به ویژه توجه داشته باشید که خروج ۲۴: ۳ و ۷ هر دو طنین ۱۹: ۸ هستند که در آن اسرائیل متفقاً تعهد خود را برای انجام تمام دستورات خدا تکرار کرد.

علاوه بر این، آخرین صحنه این مرحله به توصیف این می‌پردازد که چطور راهبران اسرائیل به کوه سینا صعود کردند، خدا را دیدند، و در هماهنگی حیرت‌آوری با او خوردند و نوشیدند. شگفتی این صحنه صلح و هماهنگی با خدا طراحی شده بود تا هرگونه تردیدی که ممکن بود مخاطب اصلی خروج داشته باشد را از بین ببرد. آنها چطور می‌توانستند صلح و هماهنگی با خدا را تجربه کنند؟ تنها با تصدیق اقتدار پایدار عهد شریعت خدا از طریق موسی در روزگار خودشان.

اکنون که آمادگی موسی و اسرائیل برای کنعان در کوه سینا را با نگاه به عهد اسرائیل در خروج ۱۹: ۱-۲۴: ۱۱ بررسی کردیم، باید به سراغ آخرین تمرکز عمده خروج برویم. تأکیدی بر اقتدار موسی و خیمه اسرائیل در خروج ۲۴: ۱۲-۴۰: ۳۸ پدیدار می‌شود. این باب‌ها از طریق تمرکز بر نقش عمده‌ای که موسی در برپایی خیمه خدا داشت، به تصدیق اقتدار پایدار او می‌پردازند.

خیمه اسرائیل (۲۴: ۱۲ - ۴۰: ۳۸)

اکثر دانشجویان کتاب مقدس درباره خیمه اسرائیل صرفاً به عنوان مکانی برای پرستش فکر می‌کنند، اما کشفیات باستان‌شناسی اخیر نشان می‌دهند که خیمه، بسیار فراتر از آن بود. در مصر باستان رسم بود که فراغه همراه لشکرهای شان برای جنگ بروند. در آن هنگام، آنها در ساختمان‌های چادری‌ای با جزئیات مفصل ساکن می‌شدند که به نوعی، یک کاخ متحرک بودند. این چادرهای سلطنتی جنگ شامل اتاق‌های پوشیده درونی و بیرونی بودند که توسط یک حیاط احاطه شده بود. لشکرها در این چادرها به پادشاه‌شان ادای احترام، و از او دستوراتش را دریافت می‌کردند. در همین راستا، کتاب خروج خیمه خدا را بیش از مکانی برای پرستش نشان می‌دهد. خیمه، چادر سلطنتی جنگ او بود. و به این ترتیب، مکانی بود که ارتش اسرائیل به پادشاه الاهی‌شان ادای احترام می‌کردند و پادشاه الاهی اسرائیل دستوراتش را بر ارتش اسرائیل آشکار می‌کرد.

دستورالعمل‌ها برای خیمه (۲۴: ۱۲-۳۱: ۱۸). گزارش اقتدار موسی و خیمه اسرائیل به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، خروج ۲۴: ۱۲-۳۱: ۱۸ شامل دستورالعمل‌های خدا به موسی برای خیمه است. دستورالعمل‌های خدا برای خیمه با فراخوانی موسی به دریافت ده فرمان بر الواح سنگی در خروج ۲۴: ۱۲-۱۸ آغاز می‌شود. سپس دستورالعمل‌های ویژه خدا برای خیمه در ۲۵: ۱-۳۱: ۱۷ پدیدار می‌شوند. این دستورالعمل‌ها، توضیحات مفصلی در مورد اثاثیه و معماری خیمه ارائه می‌دهند. خدا همچنین راهنمایی‌هایی برای کارکنان و اعمال خیمه با دستوراتی به کاهنان، صنعتگران، و کارگران ماهر دیکته کرد. و دستورات مستقیمی درباره سبت هفتگی صادر کرد. تعداد و طول این جزئیات نشان‌دهنده اهمیت رعایت تشریفات خاصی در خیمه سلطنتی جنگ خدا است. سپس، بعد از این بدنه اصلی دستورالعمل‌ها، دریافت موفقیت‌آمیز الواح سنگی ده فرمان توسط موسی را در خروج ۳۱: ۱۸ می‌بینیم. این پایان دستورات خدا در مورد خیمه است.

اکنون، در موارد متعددی از این بخش، خدا به صراحت اشاره کرد که دستورات او صرفاً برای اسرائیلیان روی کوه سینا نبود. آنها همچنین برای مخاطبین نسل دوم خروج بودند. در قسمت‌هایی مانند خروج ۲۷: ۲۱؛ ۲۸: ۴۳؛ ۲۹: ۹ و ۳۰: ۲۱ و ۳۱: ۱۶، خدا چندین شکل متفاوت از عبارت «این برای بنی‌اسرائیل نسل‌اً بعد نسل فریضه ابدی باشد» استفاده کرد. این نشانگر آن بود که چگونه جوانب مختلف دستورالعمل‌های او برای خیمه، می‌بایست توسط نسل‌های آینده نیز به جا آورده شوند. البته، منظور این تذکرات برای مخاطبین اولیه واضح بود. آنها می‌باید دستورالعمل‌های خدا برای خیمه را در روزگار خودشان نیز رعایت می‌کردند.

تعدادی شباهت وجود دارد، به ویژه در فن‌آوری نحوه چیدمان خیمه به شکلی که در کتاب خروج توصیف شده، چگونه باید آن را با تیرها و پایه‌ها برپا کرد و مواردی از این قبیل و بعد برچیده و حمل بشود تا به شکل موثری متحرک باشد. موارد مشابهی در دوره‌های مختلف مصر وجود دارد، اما برجسته‌ترین شباهت آن مربوط می‌شود به نقش برجسته‌ای از رامسس دوم در نبرد قادش او در معبد ابو سَمِیل، که یادگار این نبرد قادش است، که رامسس ادعای پیروزی می‌کند اما اکثر محققین معتقدند که او به نوعی، خوش‌شانس بوده که توانسته از آن نبرد زنده خارج شود. اما نقش برجسته‌ای روی دیوار ابو سَمِیل وجود دارد که خیمه رامسس را به تصویر می‌کشد، خیمه جنگ خود او را، و دقیقاً همان ابعاد خیمه خدا را دارد با نوعی اتاق داخلی مدور، که باید اتاق تخت پادشاهی او باشد، و بعد یک راهروی طولانی‌تر، که دو برابر اتاق داخلی طول داشت، و بیرون آن یک حیاط مستطیل وجود داشت، بسیار شبیه حیاط مستطیل اطراف خیمه خدا. همچنین، در نقش برجسته می‌توانیم ببینیم که چهار لشکر ارتش او در چهار طرف اردوی او قرار دارند، بسیار شبیه آن چیزی که در کتاب خروج توصیف شده است. خیمه خدا در درجه اول با لایوان و سپس با چهار دسته سه تایی از اسباط در چهار سوی آن احاطه شده بود.

- دکتر داگلاس گراپ

قصور و تجدید (۳۲: ۱-۳۴: ۳۵). بعد از دستورالعمل‌های خدا برای خیمه، موسی در خروج ۳۲: ۱-۳۴: ۳۵ قصورات و تجدید عهد اسرائیل در دامنه کوه سینا را بازگو کرد. این فصول به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند. در ۳۲: ۱-۳۵ می‌خوانیم که اسرائیلیان با پرستش گوساله طلایی در دامنه کوه سینا، عهد خود با خدا را شکستند. این باب‌ها به تصدیق اقتدار موسی می‌پردازند چون او همذات‌پنداری تنگاتنگی با اسرائیل نشان داد و برای آنها شفاعت کرد. موسی با به خطر انداختن زندگی خود، میانجی‌گری کرد و توانست رضایت خدا نسبت به اسرائیل را جلب کند. و خدا به طور کامل قوم را نابود نکرد.

سپس، دومین مرحله از این بخش، در خروج ۳۳: ۱-۲۳، به تهدید غیبت خدا می‌پردازد. خدا که موافقت کرده بود تا بلافاصله قوم را از بین نبرد، به موسی دستور داد تا به مسیر ادامه بدهند. اما خدا تهدید کرد که حضور

خود را از آنها دور کند، چون ممکن بود در طول مسیر آنها را نابود کند. اما موسی یک بار دیگر با همذات‌پنداری با اسرائیل برای آنان شفاعت کرد و موفق شد تا تهدید غیبت خدا را رفع کند.

سومین مرحله از این قسمت در خروج ۳۴: ۱-۳۵، شامل تجدید عهد خدا با اسرائیل است. خدا با تجدید عهد خود با اسرائیل، تایید کرد که همراه آنان به سوی کنعان خواهد رفت. و این باب با گزارش شفاعت‌های موفقیت‌آمیز موسی در طی تجدید عهد، او را در مقام راهبر اسرائیل بالا می‌برد.

تکمیل خیمه (۳۵: ۱-۴۰: ۳۸). نهایتاً، بخش مربوط به اقتدار موسی و خیمه اسرائیل با تکمیل خیمه در خروج ۳۵: ۱-۴۰: ۳۸ پایان می‌یابد. این باب‌ها با یادآوری سبت هفتگی در خروج ۳۵: ۱-۳ آغاز می‌شود. سپس خدا مأموریت ساخت و اداره خیمه را در ۳۵: ۴-۳۹: ۴۳ به موسی داد. خروج ۴۰: ۱-۳۳، بنای واقعی خیمه را به تصویر می‌کشد. جزئیات این آیات نشان می‌دهند که چطور ساخت خیمه، چادر سلطنتی جنگ خدا، کاملاً مطابق دستورالعمل‌های پیشین خدا بود. و این بخش در ۴۰: ۳۴-۳۸ با برکت دادن اسرائیل توسط خدا در پاسخ به تکمیل خیمه پایان می‌یابد.

این صحنه پایانی برکت خدا بر اسرائیل، یک بار دیگر بر اقتدار موسی متمرکز می‌شود، و مخاطب اولیه را تشویق می‌کند که با رعایت تمام تشریفات خیمه خداوند، به موسی تسلیم شوند تا آنان هم برکات خدا را دریافت کنند. به خروج ۴۰: ۳۶-۳۸ گوش کنید که آخرین آیات کتاب هستند:

و چون ابر از بالای مسکن بر می‌خاست، بنی اسرائیل در همه مراحل خود کوچ می‌کردند. و هرگاه ابر بر نمی‌خاست، تا روز برخاستن آن، نمی‌کوچیدند. زیرا که در روز، ابر خداوند بر مسکن و در شب، آتش بر آن می‌بود، در نظر تمامی خاندان اسرائیل، در همه منازل ایشان (خروج ۴۰: ۳۶-۳۸).

موسی کتاب خود را با این جمع‌بندی شکوه‌مند از سفر اسرائیل به سوی کنعان پایان داد. او اشاره کرد که حضور خدا باقی ماند چون نسل اول خروج از دستورالعمل‌های موسی درباره خیمه پیروی کردند. مخاطبین نسل دوم می‌توانستند حضور عالی خدا را با چشمان خود ببینند. و اگر امیدوار بودند که حضور خدا را در مسیر حرکت‌شان به سوی سرزمین وعده برای تسخیر آن حفظ کنند، لازم بود که از دستورالعمل‌های موسی برای خیمه پیروی کنند - دستورالعمل‌های مربوط چادر سلطنتی جنگ پادشاه الاهی‌شان.

اکنون که برخی از ملاحظات اولیه و ساختار و محتوای خروج را بررسی کردیم، باید به سراغ سومین موضوع اصلی‌مان برویم: مضامین اصلی این کتاب. برخی از مهم‌ترین موضوعات خروج که بر زندگی مخاطبین اصلی تاثیر گذاشت چه بودند؟ و این مضامین اصلی چگونه باید امروزه در زندگی پیروان مسیح اعمال شوند؟

مضامین اصلی

در طول این درس اشاره کردیم که چطور کتاب خروج طراحی شده بود تا بر اقتدار پایدار موسی بر اسرائیل تاکید کند. اگرچه این مضمون بسیار مهم است، اما باید همیشه در نظر داشته باشیم که این «تنها» مضمون در این کتاب نیست. در حالی که این متون به ارائه شواهد و مدارک برای اقتدار موسی می‌پردازند، این عمل را با جلب توجه به تعدادی از مسائل انجام می‌دهد که به این مضمون بنیادین و یکپارچه مربوط هستند.

خروج در واقع شامل مضامین بسیار متفاوتی به غیر از اقتدار موسی هست که می‌توانیم آنها را به روش‌های خیلی خیلی مختلفی خلاصه کنیم. اما یکی از مفیدترین راهکارها برای جمع‌بندی مضامین اصلی کتاب، بررسی این موضوع است که چطور این کتاب بر پادشاهی خدا تاکید می‌کند. حالا این مضمونی است که در تمام کتاب مقدس جریان دارد، و حتی در عهد جدید به اوج خودش می‌رسد؛ بنابراین مضمون مهمی برای ما در این کتاب است که به آن نگاه کنیم. حال، گاهی مسیحیان امروزی از این جنبه خروج غافل می‌شوند، اما همه ما می‌دانیم که خروج به زمانی می‌پردازد که خدا اسرائیل را به عنوان یک ملت حقیقی در کوه سینا شکل می‌داد، و زمانی که او آنها را آماده کرد تا تبدیل به یک پادشاهی در سرزمین وعده بشوند، و سپس بعدها در سراسر جهان. و بنابراین، می‌توانیم این تاکید بر پادشاهی خدا را در کتاب ببینیم، اما یکی از بهترین راه‌ها برای دیدنش این هست که ببینیم کتاب خروج چطور شخصیت خدا را توصیف می‌کند. خدا یک شخصیت اصلی در کتاب خروج است، و این کتاب مطالب زیادی برای گفتن درباره خدا دارد، اما در درجه اول تاکید می‌کند که خدا پادشاه اسرائیل است.

- دکتر ریچارد پرت

خروج اولین کتاب در کلام خداست که صریحاً به خدا با عنوان پادشاه اشاره می‌کند. در خروج ۱۵: ۱-۱۸، پس از آنکه اسرائیلیان روی زمین خشک از دریای سرخ عبور کردند، موسی و اسرائیلی‌ها سرودی برای خدا سراییدند. متن سرود، تجربیات نسل اول و دوم خروج را در کنار هم به تصویر می‌کشد. این سرود بر رهایی پیشین اسرائیل از مصر و همچنین موفقیت آینده در تسخیر و سکونت کنعان تمرکز می‌کند. جالب است که آخرین سخنان موسی در دریا، هم رهایی گذشته از مصر و هم تسخیر و استقرار آینده کنعان تحت پادشاهی خدا را در خود دارد. به خروج ۱۵: ۱۸ گوش کنید که موسی تمامی ستایش خود نسبت به خدا را در این کلمات جمع کرد:

خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالابد (خروج ۱۵: ۱۸).

همانطور که این آیه نشان می‌دهد، اعمال قدرتمندانه خدا برای هر دو نسل خروج، جلال او به عنوان پادشاه الاهی اسرائیل را نشان داد، کسی که «سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد».

در پرتو این موضوع، مفید است که مضامین اصلی خروج را با در نظر گرفتن چهار طریقی دسته‌بندی کنیم که کتاب خروج بر پادشاه بودن خدا در روزگار موسی تاکید کرد. نخست، خدا را به عنوان حافظ عهد سلطنتی اسرائیل در خروج ۱: ۱-۴: ۳۱ می‌بینیم. دوم، خواهیم دید که چطور کتاب خروج در ۵: ۱-۱۸: ۲۷ توجه ویژه‌ای به خدا به عنوان جنگاور پیروزمند سلطنتی اسرائیل نشان می‌دهد. سپس، به مضمون خدا به عنوان شریعت‌بخش سلطنتی عهد در خروج ۱۹: ۱-۲۴: ۱۱ نگاه خواهیم کرد. و نهایتاً، مضمون خدا به عنوان جنگاور حاضر اسرائیل را در خروج ۳۸: ۱۲-۴۰: ۲۴ در نظر خواهیم گرفت. بیایید تا به هر یک از این مضامین نگاهی بیندازیم و با خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی آغاز کنیم.

حافظ عهد (۱: ۱-۴: ۳۱)

اگرچه مضمون خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی اسرائیل در سراسر کتاب خروج پدیدار می‌شود، بر این امر عمدتاً در خروج ۱: ۱-۴: ۳۱ تاکید شده است. این باب‌ها وقایعی از پیش از تولد موسی تا ارتقای موسی به راهبری اسرائیل را بازگو می‌کند. برای نمونه به خروج ۲: ۲۴ گوش کنید که در آنجا می‌خوانیم:

و خدا ناله ایشان را شنید، و خدا عهد خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب به یاد آورد (خروج ۲: ۲۴).

این آیه مهم است چون جدا از یک ذکر مختصر درباره اینکه خدا به قابله‌هایی که از او می‌ترسیدند برکت داد، این نخستین باری است که خروج به خدا اشاره می‌کند. بنابراین، خروج از همان ابتدا خدا را به عنوان حافظ عهد سلطنتی به تصویر کشید، کسی که «عهد خود را به یاد آورد».

هر بار که کتاب مقدس به خدا و عهدهای او اشاره می‌کند، به طور ضمنی بر او به عنوان پادشاه الاهی اسرائیل تمرکز می‌کند. در روزگاران کتاب مقدس، خدا با افراد به نحوی عهدهایی منعقد کرد که شبیه روش عقد معاهده پادشاهان بزرگ باستانی خاور نزدیک با ملت‌های دیگر بود. امروزه، ما غالباً این معاهدات بین‌المللی را «معاهدات ارباب - رعیتی» می‌خوانیم. در این معاهدات، پادشاهان بزرگ‌تر یا ارباب‌ها، قراردادهایی رسمی با حاکمان محلی یا رعایا، و ملل و اقوام آنها می‌بستند. اسرائیلیان درک می‌کردند که خدا به عنوان «حافظ عهد» وفادار آنها، همچنین پادشاه الاهی‌شان نیز هست. و عهد خود با پاتریارک‌های اسرائیل را با عمل در روزگار موسی محقق ساخت. بدین ترتیب، عهد خدا با موسی در تقابل با عهدهای پیشین او با پاتریارک‌های اسرائیل نبود. بلکه برعکس، تحقق آنها بود. به این تاکید در خروج ۳: ۱۴-۱۵ گوش کنید که خدا نام خود را بر موسی آشکار کرد.

خدا به موسی گفت: «هستم آنکه هستم.» و گفت: «به بنی اسرائیل چنین بگو: اهیبه (هستم) مرا نزد شما فرستاد.» و خدا باز به موسی گفت: «به بنی اسرائیل چنین بگو، یهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب، مرا نزد شما فرستاده. این است نام من تا ابدالآباد، و این است یادگاری من نسلا بعد نسل» (خروج ۳: ۱۴-۱۵).

دقت کنید که در اینجا خدا به موسی گفت تا با سه اسم مختلف او را به اسرائیلیان در مصر بشناساند: «هستم آنکه هستم»، «هستم»، و «خداوند».

برای درک اینکه این اسامی چطور به خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی مرتبط هستند، لازم است بدانیم که هر سه اسم اشکال مختلف فعل عبری هایا (הָיָה hayah) هستند. این کلمه اغلب با نوعی از فعل «بودن» ترجمه می‌شود. آسان است که ببینیم «هستم آنکه هستم» - یا آنطور که ممکن است در عبری «خواهم بود آنکه خواهم بود» ترجمه شود - و شکل کوتاه‌تر آن، «هستم» یا «خواهم بود»، شامل اشکال اول شخص این فعل هستند. اما نامی که «خداوند» ترجمه شده، نیازمند توضیحات بیشتری است.

اصطلاح «خداوند»، ترجمه به اصطلاح تترگرامتون (tetragrammaton) الاهی یا نام عبری چهار حرفی خدا است که معمولاً به شکل ی.ه.و.ی (YHWH) نوشته می‌شود. کشفیات باستان‌شناسی اخیر نشان می‌دهند که نحوه تلفظ این واژه باید به شکل «یهوه» یا به شکل متداول و مرسوم آن به تلفظ فارسی «یهوه» بوده باشد. یهوه غالباً «خداوند» ترجمه شده، اما در حقیقت یک شکل سوم شخص فعل «هایاه» است و می‌تواند به «او هست» یا «او خواهد بود» ترجمه شود. در حقیقت، پیرو برخی از قوانین زبان عبری، احتمالاً بیشتر معنایی مانند «او علت وجود است» یا «او علت وجود خواهد شد» دارد. در همین راستا، «هستم آنکه هستم» می‌تواند به «من سبب آنچه هستم که هستم» ترجمه شود. و «من هستم» می‌تواند به «من سبب وجود هستم» ترجمه شود.

اگر فرض کنیم که این درک صحیح باشد، نام یهوه در این آیات و این اسامی مرتبط مستقیماً به این حقیقت اشاره داشتند که خدا «سبب وجود» وعده‌های عهدش است. به عبارت دیگر، او وعده‌هایی که به پاتریارک‌های اسرائیل داده بود را با تحقق بخشیدن آنها حفظ می‌کرد.

دشوار نیست ببینیم چرا موسی بر این مسئله تاکید داشت که خدا وفادارانه وعده‌های عهد خود را محقق می‌کند. خدا در پیدایش ۱۵: ۱۴ وعده داد که اسرائیل را از دشواری در یک سرزمین بیگانه رهایی دهد. مخاطبین موسی نیاز داشتند که بدانند خدا در حال تحقق بخشیدن به این وعده در روزگار آنها بود. لازم بود ببینند که هر برکتی در گذشته، حال، و آینده آنها نتیجه این بود پادشاه الاهی آنها عهد خود با پاتریارک‌هایشان را حفظ می‌کرد.

از بسیاری جهات، این مسئله برای پیروان مسیح نیز صادق است. خدا، عهدهایی که با پدران اسرائیل منعقد ساخت را در گذشته، حال، و آینده ما نیز حفظ خواهد کرد. متونی مانند لوقا ۱: ۶۸-۷۳ به ما تعلیم می‌دهند که آخرین بخش از تحقق عهد خدا با ابراهیم، در تاسیس پادشاهی مسیح، حین ظهور اول او آغاز شد. به علاوه، متونی مانند غلاطیان ۳: ۱۵-۱۸ به ما می‌گویند که در طی تداوم پادشاهی مسیح، می‌باید به اعتماد بر خدا و وعده‌های او به ابراهیم ادامه بدهیم. همچنین آیاتی مانند رومیان ۴: ۱۳ تعلیم می‌دهند که در تکمیل پادشاهی مسیح، پاداش ابدی شکوه‌مندی که در مسیح دریافت می‌کنیم، تحقق وعده خدا به پدران اسرائیل خواهد بود.

ما در مسیح هستیم. مسیح وارث عهد ابراهیم است. و خدا در حفظ عهد خود با ابراهیم شکست نخواهد خورد. اینها و کاربردهای مشابه در جهان ما از هر قسمت خروج که خدا را به عنوان پادشاه عهد نگهدار اسرائیل معرفی می‌کنند سرچشمه می‌گیرند.

کتاب خروج نشان می‌دهد که خدا همیشه به عهد خود وفادار است، چون حتی وقتی که فرزندان اسرائیل علیه موسی شورش کردند و به آنچه خدا با آنان در گذشته انجام داده بود احترام نگذاشتند، خدا وعده‌های خود برای رهایی آنها را حفظ کرد. خدا به خاطر سرکشی آنها تسلیم نمی‌شد، بلکه می‌بایست هدفی که برای رهایی آنها تعیین کرده بود را محقق می‌ساخت. و این هدفی است که خدا برای همه ما قرار داده تا ما را به او نزدیک‌تر کند. مهم نیست چقدر از خدا فاصله می‌گیریم، خدا همچنان تلاش می‌کند و خدا همچنان ما را به خودش نزدیک می‌کند. مهم نیست که ما چقدر درهم‌شکسته باشیم، خدا نزدیک ما می‌آید تا ما را درست کند و تا ما را به خانه برگرداند. بنابراین، کتاب خروج بازتاب‌دهنده حیات است که خدا ما را به آن خوانده. و خدا حاضر است تا نجات بدهد. در حقیقت، کتاب خروج نجات است. افراد سقوط کرده‌اند و نیاز دارند که نجات داده شوند، و ما هر روز این کار را انجام می‌دهیم. و خدا آن را انجام می‌دهد. او متخصص این است که ما را به خودش نزدیک کند، حتی وقتی از فیض او فرار می‌کنیم. - کشیش دکتر سیپریان گوچیندا

علاوه بر مضمون اصلی خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی اسرائیل، باید به تاکید بر خدا به عنوان جنگاور پیروزمند سلطنتی اسرائیل در خروج ۵: ۱-۱۸: ۲۷ نیز دقت کنیم.

جنگاور پیروزمند (۵: ۱-۱۸: ۲۷)

اکتشافات باستان‌شناسی در هر امپراتوری بزرگ عصر موسی نشان می‌دهد که تا چه حد معمول بود که پادشاهی الهی و انسانی با پیروزی در جنگ مرتبط باشد. بنابراین، حتی یک اشاره جزئی به خدا به عنوان جنگاور پیروزمند اسرائیل، نشان می‌داد که خدا همچنین پادشاه پیروزمند اسرائیل بود.

ما ابتدا با نگاه به زمانی که موسی در مصر بود به بررسی مضمون خدا به عنوان جنگاور سلطنتی پیروزمند اسرائیل خواهیم پرداخت. سپس این موضوع را هنگامی که موسی و اسرائیلیان در مسیر راهپیمایی از مصر به سینا بودند، بررسی می‌کنیم.

در مصر

این مضمون در سراسر خروج پدیدار می‌شود، اما به ویژه می‌توانیم آن را در حین رهایی اسرائیل در ۵: ۱-۱۳: ۱۶ ببینیم. داوری‌های معجزه‌آسای خدا علیه مصر نه تنها اقتدار موسی را تصدیق کرد، بلکه همچنین پیروزی‌های خدا به عنوان جنگاور سلطنتی اسرائیل را نیز نشان داد.

در خروج ۱۲: ۱۲، خدا اهمیت بزرگترین داوری خود، داوری پسخ را اینطور خلاصه می‌کند:

در آن شب از زمین مصر عبور خواهیم کرد، و همهٔ نخست‌زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم خواهیم زد، و بر تمامی خدایان مصر داوری خواهیم کرد. من بیهوه هستم (خروج ۱۲: ۱۲).

دقت کنید که در این آیه خدا اعلام می‌کند که «من بیهوه هستم» یا «من خداوند هستم.» در اینجا خدا دوباره خود را به عنوان کسی معرفی می‌کند که وعده‌های خود را با تحقق آنها به یاد می‌آورد. او به عنوان جنگاور پیروزمند سلطنتی اسرائیل در شرف آن بود که «همهٔ نخست‌زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم» هلاک کند. به عبارت دیگر، او مصریان و جامعهٔ آنها را نابود می‌کرد چون آنها خود را دشمنان او ساخته بودند. و در کنار این تأکیدات انسانی، خدا «بر تمامی خدایان مصر» داوری می‌کرد. او خدایان دروغین و ارواح شیطانی‌ای که مصریان پرستش می‌کردند را شکست می‌داد.

ما می‌توانیم این دوگانگی را در داوری‌های معجزه‌آسای بیهوه علیه فرعون و مصریان ببینیم. اگر نه همه، بیشتر این داوری‌ها پیروزی بر یک یا چند خدای دروغین مصر را نیز به همراه داشت. برای نمونه، وقتی عصای هارون به مار تبدیل شد و مارهای ساحران فرعون را بلعید، این تنها یک پیروزی بر فرعون نبود. بلکه پیروزی بر قدرت خدایی‌ای بود که مار کبری نماد آن بود و تاج فرعون را تزئین می‌کرد. وقتی خدا نیل را به خون تبدیل کرد، قدرت خود بر خدایان و الاهی‌های مصری مرتبط با نیل را نشان داد؛ مانند هاپی، سپیک که شکلی مانند کروکودیل داشت، خنوم، و هات‌مهیت که نماد آن یک ماهی بود. بالای قورباغه‌ها قدرت خدا بر حکمت، الاهی مصری را نشان می‌داد که به شکل انسانی با سر قورباغه به تصویر کشیده می‌شد. هیچ یک از خدایان مصری به طور صریح با بالای پشه‌ها مرتبط نشده است. اما محققین چندین پیشنهاد مانند گب، خدای زمین را مطرح کرده‌اند. همچنین ممکن است هدف این بلا تحقیر کاهنان و ساحران مصری بوده باشد. بالای مگس‌ها ممکن است علیه خدای خیره باشد

که غالباً به شکل یک سوسک پرنده نشان داده می‌شد. مرگ بهایم قدرت خدا بر مجموعه‌ای از خدایان را نشان می‌داد که به شکل گاو نر به تصویر کشیده می‌شدند، مانند آپیس، بوخیس، مونویس، پتاح، و رع، و همچنین آیزیس ملکه خدایان، و حاثور الالهة زیبایی و عشق. هر دوی این الاله‌ها به شکل گاو ترسیم می‌شدند. بالای دُم‌ها به احتمال زیاد نمایانگر قدرت خدا بر سخمت و ایمهوتپ بود که با بیماری و درمان مرتبط بودند. بالای تگرگ‌ها قدرت خدا بر نوت، الالهة آسمان و شو بود که آسمان را نگه می‌داشت. بالای ملخ‌ها در مقابله با سنجیم بود که از آفات محافظت می‌کرد. بالای تاریکی، قدرت یهوه بر خدای بزرگ خورشید، رع، یا آمون رع را نشان می‌داد. سپس، بالای پایانی مرگ نخست‌زاده‌ها یک رودرویی با مین و آیزیس، خدایان مرتبط با باروری بود. همانطور که این ارتباطات نشان می‌دهند، داوری‌های معجزه‌آسای خدا در مصر نه تنها پیروزی او بر دشمنان فیزیکی‌اش را نشان می‌داد، بلکه همچنین بر دشمنان روحانی‌اش و نیروهای شیطانی نیز بود.

ما به مضمون خدا به عنوان جنگاور پیروزمند سلطنتی اسرائیل در زمان حضور موسی در مصر نگاه کردیم. اما پیروزی خدا بر دشمنان انسانی و روحانی‌اش در هنگام راهپیمایی موسی و اسرائیلیان به سوی کوه سینا در خروج ۱۳: ۱۷-۱۸: ۲۷ نیز پدیدار می‌شود.

در مسیر راهپیمایی (۱۳: ۱۷-۱۸: ۲۷)

البته، این حقیقت که خدا ارتش اسرائیل را از میان سختی‌ها در مسیرشان به سوی کوه سینا هدایت کرد، او را به عنوان جنگاور سلطنتی اسرائیل آشکار می‌کند. اما احتمالاً بهترین راه برای نشان دادن این جنبه از خروج، بازگشت دوباره به سرود موسی در دریای سرخ باشد. به خروج ۱۵: ۳-۴ گوش کنید که موسی سرود:

خداوند مرد جنگی است. نام او یهوه است. ارابه‌ها و لشکر فرعون را به دریا انداخت. مبارزان برگزیده او در دریای قلزم غرق شدند (خروج ۱۵: ۳-۴).

موسی در اینجا به طور صریح خدا را به عنوان «مرد جنگی» شناساند و تکرار کرد که نام او «یهوه» است. این ارتباط نزدیک بین نام خدا و خدا به عنوان یک جنگاور، شکل‌دهنده پس‌زمینه اصطلاحات آشنای عهد عتیق مانند «خدای لشکرها» یا «یهوه صباوت» است. همانطور که نام او نشان می‌دهد، خدا، جنگاور سلطنتی، سبب و به وجودآورنده ارتش و لشکرهاست و دشمنانش را شکست می‌دهد. در این مورد، او بر «ارابه‌ها و لشکر فرعون» با غرق کردن آنها در «دریای قلزم» پیروز شد. سپس در خروج ۱۵: ۱۱، موسی همچنین جنبه روحانی پیروزی خدا را نیز معرفی کرد و گفت:

کیست مانند تو ای خداوند در میان خدایان؟ کیست مانند تو جلیل در قدوسیت؟ تو مهیب هستی در تسبیح خود و صانع عجایب! (خروج ۱۵: ۱۱).

پیروزی خدا نه تنها قدرت او بر لشکرهای انسانی مصر را نشان داد، بلکه همچنین غلبه او بر تمام خدایان دروغین مصر را نیز به نمایش گذاشت.

یعنی چه که خدا یک جنگاور پیروزمند است؟ خب، در دنیای باستان اساساً یعنی خدا، خداوند آفرینش و پادشاه حقیقی است، و این دقیقاً همان چیزی است که در خروج باب ۱۵ می‌بینیم. در ۱۵: ۱۱، یک سوال بزرگ در این ستایش پرسیده می‌شود: «کیست مانند خداوند؟» و پاسخ این است که هیچکس! هیچکس و به ویژه هیچ خدا و الاهی دیگری مانند خدا نیست. بنابراین، وقتی ما درباره خدا به عنوان یک جنگاور پیروزمند صحبت می‌کنیم، این یک بیانیه قدرتمند در زمینه‌ای است که صدها خدای دیگر برای عنوان خدایی در حال رقابت بودند. و اساساً کاری که کتاب مقدس انجام می‌دهد، بسیار ظریف است. می‌پرسد «کیست مانند خداوند؟» و پاسخ این است که هیچکس، با این نکته اصلی که: شاید شما فکر کنید خدایان دیگری هم وجود دارند، اما نهایتاً، تنها یک وجود است که شایسته عنوان خدایی‌ست، و آن یهوه است. و بعد باب ۱۵ خروج اینطور به پایان می‌رسد که «خداوند تا ابدالابد سلطنت خواهد کرد.» این جنگاوری است که می‌خواهیم برای ما بجنگد.

- دکتر برایان راسل

کتاب خروج بر پیروزی یهوه بر فرعون و خدایان دروغین او تأکید می‌کند تا به مخاطبین نسل دوم اعتماد ببخشد. خدا قادر بود تا دشمنان فیزیکی و روحانی «آنها» را نیز شکست بدهد. آنها آموختند که خدا چطور برای پیشینیان آنها در گذشته جنگیده بود. به این طریق، همچنین آموختند که خدا به آنها نیز در آینده وقتی که وارد کنعان شوند تا آن را تسخیر کنند، پیروزی خواهد بخشید.

به طریق مشابه، وقتی ما مسیحیان نیز درباره پیروزی عظیم خدا در خروج می‌آموزیم، می‌توانیم به آنچه عهد جدید درباره پیروزی مسیح تعلیم می‌دهد فکر کنیم. در متونی مانند متی ۱۲: ۲۸-۲۹، یوحنا ۱۲: ۳۱، و کولسیان ۲: ۱۵، عهد جدید تعلیم می‌دهند که وقتی مسیح پادشاهی خود را تاسیس کرد، به عنوان جنگاور سلطنتی الاهی ما عمل کرد. اما در عین حال که مسیح شیطان و خدایان دروغین جهان را شکست داد، همچنین با مهربانی برای همه کسانی که تسلیم او می‌شوند، بخشش و اشتهی با خدا را فراهم کرد.

و در متونی مانند اول قرنتیان ۱۵: ۲۵، عبرانیان ۱: ۳ و اول پطرس ۳: ۲۲، می‌آموزیم که عیسی در طی تداوم پادشاهی‌اش نیز جنگاور پیروزمند سلطنتی ما است. در سراسر تاریخ کلیسا، ما باید از راهکار مسیح برای

شکست شیطان و دیگر ارواح شیطانی در این دنیا پیروی کنیم. و ما باید به ارائه بخشش و آشتی با خدا از طریق ایمان به مسیح ادامه بدهیم.

نهایتاً، در متونی مانند دوم تسالونیکیان ۱: ۶، عبرانیان ۱۰: ۲۷، و دوم پطرس ۳: ۷، می‌آموزیم که مسیح یک بار دیگر در زمان تکمیل پادشاهی خود به عنوان جنگاور سلطنتی الهی باز خواهد گشت. اما در زمان بازگشت مسیح، عرضه مهربانانه آشتی با خدا از سوی او، پایان می‌یابد. کسانی که از آمدن به سوی مسیح امتناع کنند، به سرنوشتی مشابه شیطان و یاران او دچار خواهند شد - یعنی داوری ابدی خدا.

با نگاه به مضامین اصلی خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی و جنگاور پیروزمند سلطنتی، باید به سراغ سومین مضمون اصلی در کتاب خروج برویم: خدا به عنوان شریعت‌بخش سلطنتی عهد در خروج ۱۹: ۱-۲۴: ۱۱.

شریعت‌بخش عهد (۱۹: ۱-۲۴: ۱۱)

همانطور که پیش‌تر دیدیم، این آیات به اقتدار موسی و شریعت عهد اسرائیل توجه می‌کنند. در خاور نزدیک باستان، مردم معتقد بودند که هم پادشاهان انسانی و هم پادشاهان الهی، هر دو حکمت خود را از طریق قوانینی آشکار می‌کردند که به آنها می‌بخشیدند. بنابراین، برای مخاطبین اصلی خروج جای تعجبی نداشت که خدا شریعت‌بخش سلطنتی عهد آنها باشد. اما برای ما تا درک کنیم که موسی چگونه بر این مضمون تاکید کرد، مفید است ببینیم که چرا خدا شریعت خود را در کتاب خروج بخشید.

همه سنت‌های عمده پروتستان، درباره سه کاربرد اصلی شریعت صحبت کرده‌اند. نخست، چیزی است که غالباً «یوسس پدیگاجیکز» (usus pedagogicus) یا کاربرد آموزشی شریعت خوانده می‌شود. متون عهد جدید مانند غلاطیان ۳: ۲۳-۲۶، رومیان ۳: ۲۰، و رومیان ۵: ۲۰-۲۱ تعلیم می‌دهند که خدا از شریعت برای برانگیختن و نشان دادن گناه استفاده می‌کند. از این طریق، انسان‌ها برای نجات به سوی مسیح رانده می‌شوند. دوم، پروتستان‌ها به چیزی اشاره می‌کنند که گاهی «یوسس سیویلس» (usus civilis) خوانده می‌شود؛ کاربرد مدنی یا سیاسی شریعت. در این کاربرد، شریعت از گناه در جامعه با تهدید مجازات از سوی خدا جلوگیری می‌کند. اما، اگرچه این دیدگاه‌ها به طور کلی در مورد تعالیم کتاب مقدس صحیح هستند، اما کتاب خروج بر چیزی تاکید می‌کند که «سومین کاربرد شریعت» خوانده می‌شود. گاهی به این جنبه با عنوان «یوسس نورماتیوس» (usus normativus)، کاربرد معیاری، یا «یوسس دیداکتیکس» (usus didacticus)، کاربرد آموزشی اشاره می‌شود. در این مورد، شریعت خدا معیار یا آموزش برای کسانی است که تحت فیض او قرار دارند. بدین ترتیب، در کتاب خروج خدا شریعت را در درجه اول برای راهنمایی قوم خود، اسرائیل، به سوی برکات خویش بخشید.

این مضمون در بسیاری از قسمت‌های خروج پدیدار می‌شود. اما به ویژه در ۱۹: ۱-۲۴: ۱۱ مشهود است؛ در ابتدای آغاز عهد خدا با اسرائیل و ادامه از طریق تصدیق عهد. به خروج ۱۹: ۴ گوش کنید که خدا به اسرائیلیان گفت:

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام (خروج ۱۹: ۴).

در اینجا می‌بینیم که حتی پیش از آنکه اسرائیلیان شریعت را دریافت کنند، فیض خدا را تجربه کرده بودند. سپس خدا در آیات ۵ و ۶ به الزام اطاعت اسرائیل از شریعت و مزایای وفاداری پرداخت. او گفت:

و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. این است آن سخنانی که به بنی اسرائیل می‌باید گفت (خروج ۱۹: ۵-۶).

اسرائیل که پیش‌تر فیض خدا را دریافت کرده بودند، اگر از شریعت خدا اطاعت می‌کردند، «خزانه خاص»، «مملکت کهنه و امت مقدس» او می‌شدند. واضح است که شریعت خدا بخشیده نشده بود تا بلکه اسرائیل بتوانند نجات خود را «به دست» بیاورند. شریعت، هدیه خدا به قوم خویش پس از رحمتی بود که پیش‌تر بر آنها آشکار کرد. الگوی مشابهی در خروج ۲۰: ۱-۱۷ پدیدار می‌شود. در ۲۰: ۲ خدا ده فرمان را با اعلام سخاوت نسبت به اسرائیل آغاز کرد و گفت:

من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم (خروج ۲۰: ۲).

یک بار دیگر می‌بینیم که رحمت خدا نسبت به اسرائیل پیش از شریعت او قرار گرفت. بعد از این اعلان بود که خدا ده فرمان را به اسرائیل بخشید. و همانطور که تعدادی از فرامین ده فرمان صریحا اعلام می‌کنند، اسرائیل برای اطاعت از شریعت برکاتی دریافت می‌کردند.

شاید بعضی افراد درباره شریعت خدا فکر کنند که محدودکننده و مخالف فیض است، اما وقتی به نحوه‌ای که خدا شریعت را در عهد عتیق بخشید نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که این برای خداوند عمل سخاوتمندانه‌ای بود که

شریعت را به طریقی که ارائه داد به مردم ببخشد. چیزی که می‌بینیم این است که خدا بعد از نجات قوم خود از بندهای بردگی در مصر، شریعت را به آنها بخشید. وقتی خدا آنها را از مصر خارج می‌کند و قدرتمندانه از طرف آنها مداخله می‌کند، بعد قوم را به بیابان می‌برد و از آنها حمایت می‌کند و نقشه‌اش را به آنان آشکار می‌کند که چطور می‌بایست تحت خداوندی و پادشاهی خدا که پادشاه بزرگشان بود زندگی کنند. بنابراین، شریعت چیزی نیست که خدا از قومش خواسته باشد آن را حفظ کنند تا شاید او بعداً آنها را نجات بدهد. در عوض، شریعت پس از آنکه خدا آنها را از مصر باز خرید کرد و راه خود را به قوم خویش نشان داد که تحت پادشاهی خدا به عنوان پادشاه بزرگ زندگی کنند، داده شد، و اینکه چطور باید در کنار یکدیگر به عنوان قوم نجات داده‌شده زندگی کنند. و بنابراین، هر وقت که شما درباره شریعت در عهد عتیق می‌خوانید، در زمینه حمایت سخاوتمندانه خدا از قومش قرار دارد.

- دکتر براندون کرو

خدا همچنین این الگو را در طی تصدیق عهد نیز نشان داد. در خروج ۲۴: ۱ و ۲، او سخاوتمندانه از راهبران اسرائیل دعوت کرد تا نزد او به کوه سینا صعود کنند. در آیات ۳-۸ قوم به اطاعت از شریعت متعهد شدند. و در آیات ۹-۱۱، راهبران اسرائیل برکت صلح با خدا را جشن گرفتند، و در حقیقت، خدا را دیدند.

برای مخاطب اصلی، این تاکید بر ویژگی سخاوتمندی و سودمندی شریعت خدا در گذشته، آنها را از نیاز به پیروی از شریعت خدا در زمان خودشان آگاه کرد. شریعت هدیه‌ای از طرف خدا برای شرایط حال و همچنین آینده آنها بود.

در همین راستا، به عنوان پیروان مسیح هر بار که ما فرامین خدا در کتاب خروج را می‌بینیم، باید آنها را به عنوان هدیه سخاوتمندانه و سودمند خدا به ما در مسیح ببینیم.

حال، می‌دانیم که عیسی و رسولان و انبیای او در تاسیس پادشاهی عیسی، مکاشفات جدیدی به کلیسا دادند تا به ما برای کاربرد شریعت موسی در زمانه‌مان کمک کنند. اما متونی مانند متی ۵: ۱۷، رومیان ۸: ۴ و عبرانیان ۸: ۱۰ روشن می‌سازند که عیسی و پیروان او تخفیفی در اقتدار شریعت موسی قائل نشدند. و همین در طی تداوم پادشاهی نیز صادق است. امروز ما نباید بکوشیم تا از شریعت موسی به نحوی اطاعت کنیم که گویی مسیح نیامده است. بلکه باید امروزه آن را در پرتو مکاشفات پسین خدا در مسیح به کار ببریم. و همانطور که می‌دانیم، وقتی که مسیح در زمان تکمیل پادشاهی خود برگردد، قوم او به طور کامل تقدیس خواهند شد. بعد ما در آفرینش جدید از قانون کامل خدا که بر قلب‌هایمان نوشته شده، اطاعت خواهیم کرد.

ما با بررسی خدا به عنوان حافظ عهد سلطنتی اسرائیل، جنگاور پیروزمند سلطنتی، و شریعت‌بخش عهد سلطنتی، به مضامین اصلی در کتاب خروج نگاه کردیم. بیایید بالاخره به مضمون خدا به عنوان جنگاور حاضر در خروج ۲۴: ۱۲-۴۰: ۳۸ نگاه کنیم.

جنگاور حاضر (۱۲:۲۴-۴۰:۳۸)

کتاب خروج برداشت بسیار جالبی از پادشاهی خدا بر اسرائیل ارائه می‌دهد. غالباً وقتی افراد عهد عتیق را مطالعه می‌کنند، اولین پادشاه اسرائیل را شائول می‌دانند و به قولی او اولین پادشاه زمینی است. اما وقتی خروج ۱۹: ۵ و ۶ را می‌خوانید، درباره اسرائیل به عنوان «مملکت کهنه» یا پادشاهی کاهنان صحبت می‌کند. خُب شما نمی‌توانید یک پادشاهی بدون پادشاه داشته باشید، و بدین ترتیب، واقعا، دیدگاه خروج ۱۹: ۵-۶ این است که خودِ خدا در حقیقت اولین پادشاه اسرائیل است. و حتی با اینکه خدا در عهد عتیق در مسیح مجسم نیست، اما با این وجود او خود را به عنوان پادشاه آشکار می‌کند و پادشاهی‌اش در مسیح را از طریق این تصاویر ابر در روز و ستون آتش در شب قابل رویت می‌سازد. خیمه تبدیل به نماد عمانوئیل می‌شود، «خدا با ما»، و بنابراین، پادشاهی خدا در این نقش‌ها و نمادهایی که به اسرائیل می‌بخشد نمایان می‌شود و به وسیله آن حکومت و پادشاهی خود را از طریق مسیح بر اسرائیل نشان می‌دهد.

- دکتر دان کالت

ما مضمون حضور شاهانه خدا را به واضح‌ترین شکل در خروج ۲۴: ۱۲-۴۰: ۳۸ می‌بینیم. این چهارمین بخش عمده کتاب خروج بر اقتدار موسی و خیمه اسرائیل تمرکز می‌کند. این فصول بازگو می‌کنند که چطور خدا دستورالعمل‌های مربوط به خیمه را به موسی داد، چطور اسرائیل در دامنه کوه سینا شکست خورد، و چطور موسی اسرائیل را در ساخت خیمه راهنمایی کرد. هر یک از این رخدادها بر حضور خدا با قوم خود تاکید می‌کردند. خدا در خروج ۳۳: ۱۴ به موسی اطمینان داد که:

روی من خواهد آمد و تو را آرامی خواهم بخشید (خروج ۳۳: ۱۴).

عبارت «روی» در این آیه، ترجمه اسم عبری «پانیم» (panim - פָּנִים) است که معمولاً در انگلیسی «حضور» ترجمه می‌شود. در تعدادی از متون در خروج و دیگر قسمت‌ها، «روی» خدا بر حضور ویژه، قوی، مراقب، و اغلب مرئی او با قوم خود دلالت دارد.

اگرچه خدا در همه‌جا حاضر است، به طرق خاصی در سراسر کتاب مقدس خود را به قوم خویش اختصاص می‌دهد. در این قسمت خروج، حضور خدا نزدیک و درون خیمه ساکن بود. همانطور که پیش‌تر در این درس اشاره کردیم، خیمه بسیار فراتر از یک محل عبادت یا جایی بود که اسرائیل مراسم پرستشی خود را در آن برگزار کنند.

اسرائیل خدا را در خیمه پرستش کردند، چون آن چادر سلطنتی جنگ خدا بود. درست مانند پادشاهان انسانی باستان که در هنگام فرماندهی ارتش‌های خود در جنگ، در چادرهای جنگی سلطنتی اقامت می‌کردند، خدا در خیمه خود اقامت گزید تا ارتش اسرائیل را به سوی فتح کنعان هدایت کند.

حال در خروج ۳۲: ۱-۳۴: ۳۵، حضور خدا با قوم خود به طور جدی تهدیدکننده بود. در این قسمت، درباره شکست و تجدید عهد اسرائیل در کوه سینا می‌آموزیم. هنگامی که خدا دید اسرائیلیان در سینا گوساله طلایی را پرستش می‌کنند، تهدید کرد که تمامی قوم به غیر از موسی را نابود کند. اما از طریق شفاعت موسی، دل خدا به رحم آمد و تنها آنانی را مجازات کرد که مرتکب گناه شده بودند. با این وجود، خدا تهدید کرد که حضور خود را از قوم در ادامه مسیرشان بگیرد. اما تصور حرکت به جلو بدون حضور پادشاه الهی ممکن نبود. به خروج ۳۳: ۱۵-۱۶ گوش کنید که موسی به خدا گفت:

هر گاه روی تو نیاید، ما را از اینجا مبر. زیرا به چه چیز معلوم می‌شود که من و قوم تو منظور نظر تو شده‌ایم، آیا نه از آمدن تو با ما؟ پس من و قوم تو از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمینند، ممتاز خواهیم شد (خروج ۳۳: ۱۵-۱۶).

دقت کنید که در اینجا موسی از خدا خواست تا «هرگاه روی تو نیاید» آنها را پیش نفرستد. او می‌خواست اطمینان حاصل کند که همه چیز بین آنها درست است. و از خدا خواست تا آنچه باعث تمایز آنها «از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمینند» را از آنها نگیرد، که همان حضور خدا با آنها بود. خدا در خروج ۳۳: ۱۷ اینطور پاسخ داد:

این کار را نیز که گفته‌ای خواهم کرد، زیرا که در نظر من فیض یافته‌ای و تو را به نام می‌شناسم (خروج ۳۳: ۱۷).

بنابراین جای تعجبی ندارد که خروج ۴۰: ۳۸، آخرین آیه کتاب، حضور خدا با اسرائیل در خیمه را برجسته می‌کند:

زیرا که در روز، ابر خداوند بر مسکن و در شب، آتش بر آن می‌بود، در نظر تمامی خاندان اسرائیل، در همه منازل ایشان (خروج ۴۰: ۳۸).

خدا با قوم خود حاضر است. او با موسی در بوته حاضر بود. او با قوم خود در این ستون آتش و این ستون ابر حاضر است، آنها را در طول شب با آتش و ابر در طی روز هدایت می‌کند. و وقتی به باب‌های انتهایی کتاب می‌رسیم، آن بخش‌هایی از کتاب که غالباً نادیده گرفته می‌شوند، خدا به آنها یک چادر می‌دهد، یک خیمه. و درون این خیمه،

خدا به آنها تابوت عهد را می‌دهد، جایی که حضور خدا به صورت نمادین در آنجاست. و چیزی که من در این مورد دوست دارم این هست که ما می‌بینیم خدا خداییست که می‌خواهد با قومش باشد، که برای من پیش‌سایه‌ای نیکو از چیزی هست که در باب اول یوحنا با آن روبرو می‌شویم که می‌گوید:

کلمه جسم گردید و میان ما خیمه زد (یوحنا ۱: ۱۴، ترجمه تحت‌اللفظی)

خدا در عهد عتیق خواست که با قوم خود باشد، و در نهایت خدا پسر خود عیسی را فرستاد تا در عهد جدید با قوم او باشد.

- دکتر دیوید لمب

عهد جدید این مضمون عمده حضور ویژه شاهانه خدا را درباره پیروان مسیح در هر سه مرحله پادشاهی مسیح اعمال می‌کند. متونی مانند متی ۱۸: ۲۰ و یوحنا ۲: ۱۹-۲۱ توضیح می‌دهند که خود مسیح در تاسیس پادشاهی خویش، حضور خارق‌العاده شاهانه خدا با قومش بود. در حقیقت، یوحنا ۱: ۱۴ یک ارتباط ضمنی بین خیمه اسرائیل و ظهور اولیه عیسی برقرار می‌کند. به این آیه گوش کنید:

و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر (یوحنا ۱: ۱۴).

عبارت «میان ما ساکن شد» از اصطلاح یونانی اسکینو (σκηνώ skénoó) ریشه می‌گیرد. سبتواجنت، ترجمه یونانی عهد عتیق، از همین اصطلاح برای فعل عبری شاکان (שָׁכַן shākan) استفاده می‌کند که در خروج برای حضور خدا در خیمه‌اش آمده است. بنابراین، این آیه نشان می‌دهد که جسم پوشیدن مسیح، حضور خدا در کنار قوم خود بود که آنها را به سوی پیروزی راهبری می‌کرد.

به علاوه، متونی مانند اعمال ۲: ۱۷ و رومیان ۵: ۵ تعلیم می‌دهند که وقتی عیسی به آسمان صعود کرد، روح خود را بر پیروان مسیح نازل کرد. بدین ترتیب، در طی تداوم پادشاهی مسیح، روح‌القدس در کلیسای خود ساکن است. درست همانطور که خدا خیمه را از حضور خود پر کرد، روح‌القدس نیز قوم خود را با حضور ویژه و قوی خویش پر می‌کند که متضمن هدایت و پیروزی روزانه خدا برای ماست.

و البته، متون عهد جدید مانند مکاشفه ۲۱:۳ همچنین تعلیم می‌دهند که جسم پوشیدن مسیح و حضور کنونی روح القدس تنها مقدمه‌ای بر شگفتی حضور شاهانه خدا در خلقت جدید هستند. وقتی مسیح در زمان تکمیل پادشاهی خود برگردد، همه چیز را تازه خواهد ساخت. و تمامی آفرینش از جلال مرئی پادشاه جنگاور ما مملو خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این درس با عنوان «بررسی اجمالی کتاب خروج» برخی از ملاحظات اولیه مانند نویسنده، موقعیت، معنای اصلی و کاربرد امروزی را معرفی کردیم و به خاطر سپردیم. همچنین با تقسیم کتاب به دو بخش عمده، به بررسی ساختار و محتوای خروج پرداختیم. و نیز به برخی از مضامین اصلی نگاه کردیم، از جمله اینکه چطور بر چندین جنبه از پادشاهی خدا در سراسر کتاب تاکید شده است.

کتاب خروج اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مخاطبین اسرائیلی اولیه خود داشت که همراه موسی در مرز سرزمین وعده اردو زده بودند. در حالی که اسرائیلیان به چالش‌های زندگی برای خدا در زمان خود می‌اندیشیدند، خروج از آنها خواست تا تعهد خود را نسبت به موسی به عنوان راهبر تعیین شده خدا برای قوم خود، مجدداً تایید کنند. کتاب خروج به آنها نقش موسی در رهایی‌شان از مصر تا کوه سینا را یادآوری کرد. و به آنها یادآوری کرد که چگونه خدا آنها را برای سرزمین وعده آماده کرده است.

به طریق مشابه، به عنوان پیروان مسیح، امروز کتاب خروج از ما می‌خواهد که وفاداری خود را به اقتدار موسی تایید کنیم، اما در پرتو آنچه خدا در مسیح انجام داد. اگرچه خدا کارهای زیادی از طریق موسی به عنوان رهبر اسرائیل انجام داد، اما کتاب خروج به ما نشان می‌دهد که او چقدر بیشتر از طریق مسیح انجام داده است. خدا در مسیح ما را تا ابد از بردگی گناه و تسلط شیطان نجات داد. و در مسیح خدا به ما حضور روح مسیح و دستورالعمل‌هایی برای راهنمایی ما داده است. و در این پرتو، در حالی که مسیح ما را به سوی میراث ابدی خود هدایت می‌کند که در آسمان و زمین جدید به ما وعده داده، کتاب خروج به ما فرصت‌های بی‌شماری می‌دهد تا بیشتر و بیشتر در مورد نحوه پیروی از مسیح بیاموزیم.